

سرمقاله ...

آشتی با ریاض؛ یک داستان کوتاه

منصور امان

تحركات دیپلماتیک بین عربستان و ج.ا. پُرسشهای بسیاری را پیرامون مفهوم و پیامد این تحول طرح ساخته است. پس از هفت سال قطع رابطه و مناسبات تنش آمیز، اکنون این دو رقیب منطقه ای با واسطه گری چین در مسیر از سرگیری روابط دیپلماتیک هستند. رسانه های جریان اصلی از این امر به عنوان «بمب خبری»، «رویداد زرف» و دیگر عناوین پر دبدبه نام می برند و چشم اندازهای مطلوبی را برایش به تصویر می کشند. با این حال فاکتورهای مشخص این ارزیابی و خوش بینی در پی آن را تایید نمی کند.

رقابت به مثابه پارامتر ثابت

ابتدا باید دریافت که مستقل از هر تحول و تغییری در مناسبات دو حریف، رقابت بر سر هژمونی بومی در خاورمیانه، پارامتر ثابت در منطقه و در روابط آنها باقی خواهد ماند. در این نقطه منافع استراتژیک و اهدافی در پهنه ثبات و امنیت داخلی نقش تعیین کننده ایفا می کند. بنابراین پرسشی که اینجا مطرح می شود نه باقی ماندن یا کنار گذاشته شدن اصل رقابت، بلکه امکان عادی و متعارف شدن آن است. تمایز این دو مساله از یکدیگر، به فهم مضمون و شکل تحول اخیر در روابط دو دولت کمک شایانی می کند. بدین صورت که هرگاه وجود یک پارامتر فرادستی (رقابت هژمونیک) در مرکز تصمیم گیری سیاسی، شعاع دوری یا نزدیکی به خط مناسبات را تعیین کند، آنگاه هر سطحی از روابط از یکطرف مشروط بدان می گردد و از طرف دیگر از آن شکل و تاثیر می پذیرد.

مانع اصلی عادی یا متعارف شدن رقابت، خود جنس و مضمون رقابت عربستان و ج.ا. است که از سطح یک هماوردی سیاسی - اقتصادی فراتر می رود و نبرد بر سر قلمروهای ایدئولوژیک را دربر می گیرد. رنگ پذیرفتن رقابت با چنین کیفیتی بیشتر ریشه در ناتوانی رژیم ج.ا. از توسعه نفوذ خود براساس برتری و امتیازات اقتصادی، فرهنگی یا سیستمی دارد. حاکمان ایران برگ برنده ای برای قبولاندن طبیعی هژمونی خود به دولتها و مردم منطقه ندارند. شرایط اسفبار داخلی چه از نظر رفاه اقتصادی و چه از حیث آزادیهای فردی و اجتماعی، رژیم آنها را به هر چیزی جز یک الگو تبدیل کرده و از این رو امکان تامین هژمونی به گونه طبیعی و اتودینامیک را برای آنها از بین برده است. در نتیجه برای «نظام» در مسیر دستیابی به هدف حیاتی و استراتژیک توسعه، ابزارهای محدودی باقی می ماند که وجه مشترک آنها قرار داشتن بیرون از دایره وسایل و راهکارهای مشروع و متعارف است.

بقیه در صفحه ۳

یادداشت سیاسی ...

خروجی «تحلیل» مردم، عمل انقلابی است!

مهدی سامع

در صفحه ۲

مخالفت جامعه با حجاب اجباری

بر بستر جنبش انقلابی

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

در سوگ و اندوه در گذشت

پدر سهراب اسدیان

صفحه ۷

میراث مسموم

م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۱۱

ماندن یا رفتن، مساله این است!

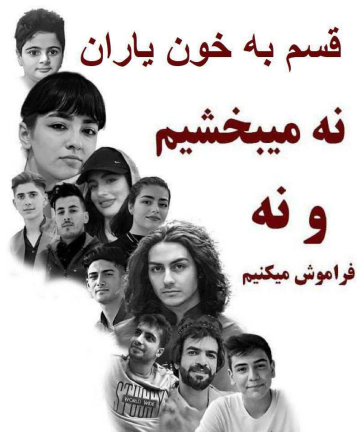
مرجان

صفحه ۸

شهر زیبا: خروش جوانان در شب تولد

جاوید نام حمید رضا روحی

صفحه ۸



قسم به خون یاران

نه میبخشیم

و نه

فراموش میکنیم

سیزده بدر سیاسی و شهادت

جاوید نام علی باغجری

صفحه ۱۹

این قافله هرگز سر تسلیم ندارد

فتح الله کیا بیها

صفحه ۹

در این شماره ...

صفحه ۱۱

باران بلند شبانه... رحمان کریمی

صفحه ۱۲

دانشگاه در ماهی که گذشت ... کامران عالمی نژاد

صفحه ۵

چالشهای معلمان (فروردین ۱۴۰۲) - فرنگیس بایقره

صفحه ۹

رویدادهای هنری ماه ... فتح الله کیا بیها

صفحه ۱۵

زنان در مسیر رهایی ... اسد طاهری

صفحه ۱۸

ایذه ... م. روستا

صفحه ۱۸

جنبش رنگین کمان بیشماران ... پویا رضوانی

صفحه ۲۴

یادواره ... رفیق شیرین معاضد امیر ابراهیمی

صفحه ۲۴

شهادای فدایی در اردیبهشت ماه

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی ...

خروجی «تحلیل» مردم، عمل انقلابی است!

مهدی سامع



محمد مهاجری، فعال رسانه ای از باند اصولگرا با هشدار دادن و این که «سرکوب که نمی تواند همیشگی باشد» گفت: «من معتقد هستم جامعه ما روی گسل است. اینکه

یک ماه دیگر، دو ماه دیگر یا شش ماه دیگر با چه وسعتی زلزله بیاید معلوم نیست. قابل پیش بینی نیست؛ اما همچنان می شود پیش بینی کرد که این گسل فعال است.» (اقتصاد نیوز، یکشنبه ۶ فروردین)

رسول منتجب نیا، عضو سابق مجلس ارتجاع از «شورش اصولگرایان علیه رئیسی» حرف زده و گفته است: «در حال حاضر همه گروههای حاضر در جناح اصولگرا که رئیسی نمایندگی آنها را در دولت برعهده دارد، پشت دولت نیستند. رئیسی نتوانست از جناح اصولگرا وحدت و اجماعی درست کند.» (فرارو، دوشنبه ۷ فروردین)

روز یکشنبه ۱۳ فروردین، آخوند علیدادی سلیمانی روضه خوان نماز جمعه کرمان گفت: «شما دیدید همه هجمه دشمن علیه ولایت فقیه بود، در این آشوبها و اغتشاشات اونا می دونستند ستون خیمه اونجاست.» (تلویزیون کرمان)

از مجموع سخنان و مواضع ابراز شده توسط مسئولان در دو هفته اول سال جدید (۱۴۰۲) به روشنی فهمیده می شود حضرات قصد ندارند در سیاستهای شکست خورده خود در هیچ یک از زمینه ها کوتاه بیایند! (روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۴ فروردین)

حسن روحانی، رئیس جمهور پیشین گفت: «آنچه خواست مردم است شاید دهها سؤال باشد اما در یک همه پرسی می توان از مردم خواست به سه پرسش اساسی در زمینه سیاست خارجی، سیاست داخلی و اقتصاد پاسخ دهند.» (اعتماد، شنبه ۱۹ فروردین)

مصطفی تاجزاده، زندانی سیاسی کنونی و معاون سیاسی وزیر کشور در دوران خاتمی پیرامون بحران کنونی نوشت: «وضعیت اسفناک کنونی، اگر یک بانی داشته باشد، بی تردید شخص رهبر است که با اختیارات نامحدود و در حد مطلق، و سیاستهای اشتباه، جامعه را به اینجا رسانده است. [خامنه ای] افزون بر مخالفت یا انتخابات آزاد و بی اعتنائی به نظرسنجیهای معتبر، برگزاری همه پرسی و رجوع به آرای همین ملت آگاه برای تغییر قانون اساسی را توطئه بیگانگان می نامد. استراتژی غلط و عملکرد غیردموکراتیک رهبر، موجب انباشت مشکلات شده است و به نحو بی سابقه ای، نمایندگان بانفوذ گروههای مرجع، از هنرمندان و ورزشکاران تا اساتید دانشگاه و کلا و پزشکان را به گروههای معترض و عاصی قبلی، از جمله معلمان، کارگران، دانشجویان، فعالان محیط زیست، بازنشستگان، قربانیان سوکمرانی آب و .. افزوده است.» (سبحان نیوز، یکشنبه ۶ فروردین)

اکنون می توان به سوالی که در ابتدای این نوشته مطرح کردم، پاسخ مشخص داد. مخاطب خامنه ای نه مردم که کارگزاران نظام است. او به کسانی که هنوز به ولایتش اعتقاد دارند هشدار می دهد که «این چه حرفی است» که می زیند. ولی فقیه که شاهد شکست پروژه یکدست سازی و عدم موفقیت در مهار جنبش انقلابی است، می داند که اگر جلوی آب از سرچشمه اش را نگیرد، تعدادی از کسانی که در قدرت شرکت داشتند، از ولایتش فاصله می گیرند. خامنه ای بهتر از همه از این رویکردها اطلاع دارد. میزان تاثیر بیانیه میرحسین موسوی در هرم قدرت را ارزیابی کرده و ناچار است به آنانی که هنوز دلپسته به خلافت او هستند هشدار دهد که مردم آن گونه که «آقا» فکر می کند، تحلیل نمی کنند و مهمتر آن که بر اساس تحلیل شان در کف خیابان عمل می کنند.

به گمانم همان طور که تجدید نظر ولی فقیه در مورد معنی کلمه «مستضعف» نتیجه قیام فرودستان در دی ماه سال ۹۶ بود، نظر خامنه ای در مورد مردم و رفراندوم و در حقیقت تحقیر مردم، نتیجه جنبش انقلابی است که بیش از هفت ماه جریان دارد.

ولی فقیه نظام در روز سه شنبه ۲۹ فروردین، امسال با گفتن چند کلمه در میان روضه خوانیهای ماه رمضان، دیدگاه واقعی خود و جهت گیری ولایتش را بدون لکت زبان بیان کرد.

وی پیرامون رفراندوم گفت: «مسائل گوناگون کشور مگر قابل رفراندوم است؟ کجای دنیا این کار را می کنند؟ مگر همه مردم که باید در رفراندوم شرکت کنند امکان تحلیل آن مساله را دارند؟ این چه حرفی است؟»

خلاصه ی این جمله این است که مردم امکان تحلیل سوال مورد نظر، برای مثال «جمهوری اسلامی آری یا نه» را ندارند. لابد از نگاه مقام معظم تجربه های زندگی در چهل و سه سال گذشته برای مردم کافی نیست که سوال مورد نظر را تحلیل و اعلام نظر کنند.

وارد جزئیات این نگاه که مردم را این گونه مورد تحقیر قرار می دهد نمی شوم و تنها این سوال را مطرح می کنم که مخاطب این جمله علی خامنه ای کیست؟ به گمانم مخاطب این جمله مردم نیستند. دنبال کردن سپهر سیاسی ایران و مسیری که مردم از رفراندوم ضد دموکراتیک و ساختگی «جمهوری اسلامی آری یا نه» در روزهای ده و یازده فروردین سال ۱۳۵۸ تاکنون طی کرده اند و بدون تردید ولی فقیه نظام هم از تمام زوایای آن با خبر است، این نتیجه واقعی است که اکثریت مردم از جمهوری اسلامی عبور کرده و به خاطر شرایط مادی زندگی شان این نظام را بر نمی تابند. از اینرو باید مخاطب اصلی و دلیل طرح این موضوع را دریافت. برای این به رسانه های حکومتی مراجعه شود.

هفت ماه پیش خبرگزاری حکومتی مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، ابلهانه از «پایان خط آشوب اغتشاشگران در خیابانها» نوشت. (شنبه ۲ مهر ۱۴۰۱)

این ادعا در شرایطی بیان شده که مردم در کف خیابان مارش سرنگونی انجام می دادند و آخوند احمد خاتمی به چهار ماه تداوم جنبش انقلابی اعتراف می کند.

روز چهارشنبه ۲۳ فروردین، آخوند احمد خاتمی عضو هیات رئیسه خبرگان گفت: «حدود ۱۲۰ روز کشور را در التهاب نگه داشتند از بالاترین جنایتکاران بودند چون خروجی اینها به تصریح خودشان براندازی نظام بود.» (تلویزیون شبکه سهند تبریز)

جنبش انقلابی و انقلاب ژینا نه ۱۲۰ روز که تاکنون با وجود افت و خیزهای آن ادامه داشته و برگهای درخشان، را در تاریخ مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران، به ثبت رسانده است. سپهر سیاسی ایران با گامهای چابک زنان و مردان حق طلب، ولی فقیه نظام



را مجبور کرده تا برای «امنیت نظام» مردم را تحقیر کند. نظامی که در محاصره جامعه قرار گرفته و موربانه به جاز، هرم قدرت افتاده، تنها و تنها با خشن ترین و ضد انسانی ترین شکل سرکوب با مردم مقابله خواهد کرد. حمله شیمیایی به مدارس، به طور عمده مدارس دخترانه، نمونه ای از ددمنشی، حاکمیت است. اما این راهکار جبارانه در شرایط انقلابی، تضادهای درون، هرم قدرت را تشدید می کند. طرح چند گفته از کارگزاران حکومت و پیرامون آن این وضعیت را روشن تر می کند.

روز شنبه ۵ فروردین، پاسدار حسن کرمی، سرکرده یگان ویژه فراجا، در رزمایش سراسری ارتقای امنیت اجتماعی در سال ۱۴۰۲ خطاب به مزدوران تحت امرش گفت: «چشم انداز ما برای پوشش حداقل ۴۰۰ شهر و منطقه در کشور، برای مقابله با ناآرامیها و احتمالاتی است که دشمن داشته باشد. ظرفیت خودمان را در سال ۱۴۰۲ باید به ۲ برابر وضع موجود افزایش بدهیم.» (ایران پرس)

سرمقاله ...

آشتی با ریاض؛ یک داستان کوتاه

منصور امان

بقیه از صفحه ۱

ابزار فرقه

مهمترین دست افزار ج.ا در توسعه نفوذ خود، سوواستفاده از جمعیت شیعی کشورهای عربی است. وجود اقلیت‌های شیعی که با مجرومیت‌های معینی در کشورهایی با اکثریت جمعیت سنی روبرو هستند، زمین آماده‌ای است که رژیم ولایت فقیه بر آن سموم ایدئولوژیک خود را نشر می‌دهد. امری که ابتدا با ترویج و تبلیغ بنیادگرایی اسلامی و صرف هزینه‌های سرسام آور برای خرید توجه و وابسته کردن آنها آغاز می‌شود و در ادامه به استخدام افراد و تشکیل دستجات و باندهای مزدور راه می‌برد.

از همان لحظه‌ای که ج.ا موفق به ایجاد کانونهای نفوذ در کشورهای هدف می‌شود، بهره‌گیری از وسایل فشار مستقیم در اشکالی مانند تروریسم، تسلیح دستجات یاعی، جنگ داخلی و جز آن نیز به جعبه ابزار آن اضافه می‌شود. شکل گیری جنگ‌های نیابتی برآمد اجتناب ناپذیر چنین صف بندی است؛ امری که به بی ثبات سازی کشورها می‌انجامد و با پیامدهای ناگزیر و مخربی همچون جنگ‌های فرقه‌ای، بحران‌های سیاسی، اختلال در روندهای اقتصادی و سیاسی و فساد سیاسی و مذهبی همراه است.

این مدلی است که در تمامی نقاطی که ج.ا توانسته برای خود جا پای پیدا کند، کم و بیش تکرار شده و بدین وسیله، رقابت تاریخی دو گرایش مذهبی اصلی در اسلام را به سطح بالاتری ارتقا داده که در آن محورهای فرقه‌ای و سیاسی در کنار هم نقش بازی می‌کنند. فقط کافی است به نقاط درگیری دو طرف نگاهی انداخته شود که گسترده‌ای از شمال تا جنوب خاورمیانه را در برمی‌گیرد و دستکم شش کشور یمن، لبنان، سوریه، بحرین، فلسطین و عراق را دستخوش بحران‌های چندگانه‌ای ساخته که به جز بحرین، در بقیه آنها ویژگی نظامی - تروریستی غالب است.

روابط دیپلماتیک در این کادر، نقشی فراتر از «تلفن قرمز» اتحاد شوروی و آمریکا در دوران جنگ سرد نمی‌تواند داشته باشد، یعنی امکانی برای جلوگیری از درگیری‌های ناخواسته و مستقیم!

چرا ج.ا نمی‌تواند؟

در معادله کنونی، «بهبود روابط» با ریاض به گونه واقعی معنایی جز چشم پوشی ج.ا از دخالتگری در کشورهای عربی و دست کشیدن از تحریک و سربازگیری از جمعیت شیعه این کشورها نمی‌تواند داشته باشد. ج.ا باید بپذیرد که وارد رقابتی مسالمت آمیز با عربستان بر پایه شاخصهای شناخته شده بین المللی شود و با نقاط تقوץ خود در حوزه های اقتصادی، سیاسی، مدنی، رفاه اجتماعی، گفتگمانی و جز آن امتیاز بگیرد. همانگونه که گفته شد، از آنجا که حاکمان ج.ا در هیچیک از پهنه های رقابت متعارف بین کشورها چیزی برای عرضه کردن ندارند، بنابراین انتظار هم نمی‌رود که قدرت نقد خود را وا نهند و از سیاست آزمایش پس داده شان عقب بنشینند. آنها در این بازی طرف بازنده خواهند بود و نه تنها هدفهای شان، بلکه مصرفات شان را هم به ناچار باید فراموش کنند.

در همین حال باید توجه داشت که نقشی که بحران خارجی برای رژیم ج.ا بازی می‌کند، بسیار فراتر از یک استراتژی ساده کشورگشایی است. انگیزه حاکمیت در

تجاوز نظامی به سوریه، بسیج برای ایجاد «هلال شیعی» و جز آن بخشی از این تحرکات بود که به موازات توافق هسته‌ای ژنو انجام می‌گرفت.

آقای ظریف، وزیر خارجه وقت ملاحا، بعدها تحرکات پشت پرده پاسدار سلیمانی برای تمرکز بیشتر بر سوریه و افزایش حضور نظامی در این کشور را فاش کرد. همو نیز اعتراف کرد که وزارت خارجه به مثابه نهاد رسمی دیپلماسی ج.ا، مترسکی بیش نیست و دستگاه نظامی - امنیتی که وی از آن با اسم مستعار «میدان» نام برد، اهرم تصمیم‌گیری و اداره سیاست خارجی را در دست دارد.

یک داستان کوتاه

بر این پایه، منافعی که از سرگیری مناسبات دیپلماتیک بین عربستان و ج.ا چه برای دو طرف و چه برای کشورهای ثالث دارد، در طباق بندی منافع کوتاه مدت قرار می‌گیرد. عربستان مایل است به دخالت نظامی خود در یمن نقطه پایان بگذارد. فرسایشی شدن جنگ از یکطرف و تبدیل آن به یک عامل دوجندان در سرد شدن مناسبات با آمریکا و اروپا پایه اصلی این تصمیم است. همزمان، ریاض که از سیاست مماشات غرب و به ویژه آمریکا در برابر برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ج.ا ناخرسند است، می‌کوشد با استفاده از رقابت سخت جهانی بین غرب و چین، از سیاست نزدیکی به پکن، ابزار فشاری برای توجه بیشتر به منافع خود بسازد.

در همین حال، عربستان مایل است تهدید موشکها و پهپادهای انتحاری ملاحا را که در صورت بروز هر بحران سیاسی یا نظامی با آن مواجه شده و خواهد شد را به حداقل کاهش دهد. ریاض بی عملی ایالات متحده در جریان حملات پهپادی به تاسیسات نفتی خود را از یاد نبرده، همچنانکه موشک پرانی دوره ای ملاحا به خاک عراق را نیز در دفتر خود ثبت می‌کند. علت کوتاه مدت بودن منافع آشتی ریاض و ملاحا در همین انگیزه هاست؛ در هیچیک از این آنها فاکتوری که به گونه مستقل در مناسبات با ج.ا عمل کند، وجود ندارد. از طرف دیگر، هیچکدام از انگیزه های عربستان نیز پایدار نیست و نه تنها از سوی آن، بلکه همچنین ج.ا به شرایط مشخص کنونی مشروط گردیده.

برآمد

هیچکس بیشتر از مردم ایران به کاهش بحران و تنش خارجی علاقمند نیست. آنها چهار دهه است در وضعیت جنگی زندگی می‌کنند و رژیم ولایت فقیه هزینه شرارت‌های خویش را از جیب زیست اکنون و آینده شان می‌پردازد. اما هم آنها بهتر از هر کس دیگری به ماهیت، هدف و خروجی مانورهای حاکمیت آگاه هستند. جامعه تجربه «پرچام» را پشت سر دارد که منافع سیاسی و اقتصادی توافق خارجی، یکسره به کیسه حاکمان کشور ریخته شد، روند تخریب شرایط زندگی آنها همچنان تداوم یافت و «توافق» نیز خود سرآخر به یک محور دیگر بحران خارجی و تشدید وخامت شرایط زیست و معیشت آنها تبدیل گردید.

رژیم ولایت فقیه زیر فشار جنبش سرنگونی به نرمش مصلحتی در رابطه با عربستان روی آورده تا فشار خارجی را کاهش داده و از فرصت سیاسی و اقتصادی آن برای تجهیز و تمرکز قوا علیه جامعه بهره ببرد. از این رو عقب نشینی دستگاه حاکم بیشتر از آنکه ابتکار مستقل آن باشد، دستاورد این جنبش است. واقعیت یاد شده را هم مردم می‌دانند و هم طرف‌های خارجی رژیم ملاحا. بنابراین همچنانکه در داخل به جای خوش بینی نسبت به تغییر ریل حاکمیت، اعتماد بنفس جنبش و باور به نیروی خود شکل می‌گیرد، در خارج نیز فاکتور جنبش انقلابی به مثابه فاکتور تحول ساز در دیپلماسی باقی می‌ماند.

پیگیری این رویکرد فقط رو به برون مرز ندارد، راست این است که تنش خارجی و زندگی در وضعیت جنگی (از هر نوع نظامی و اقتصادی)، به گونه تنگاتنگی به مساله بقای «نظام» از یکسو و انحصار قدرت و ثروت از سوی دیگر گره خورده است.

رژیم ولایت فقیه از همان هنگامی که وارد جنگ هشت ساله با عراق شد تا به کنون، تمامی ناسامان‌های کشور و شرایط سال به سال بدتر معیشتی جامعه را با «دشمن» خارجی و «توطئه دشمنان» توجیه می‌کند. او ناکارآمدی، فساد سیستمی، چیدمان غارتگرانه دستگاه‌های اجرایی و جز آن را در پس گردوخاک آمریکا و اسرائیل ستیزی، زینب پناهی و فلسطین یآوری پنهان می‌کند و تبدیل کشور به ویرانه اقتصادی - اجتماعی را با مونتاز موشک و پهپاد انتحاری برابر می‌سازد. به بیان دیگر، دستگاه حاکم مشروعیت خود را از بحران خارجی استخراج می‌کند و همچنین از آن به عنوان ماده سفیدشویی و عذر تراشی برای شرایط فلاکت باری که کشور و مردم را بدان دچار ساخته، سود می‌جوید. حاکمیت همچنین به کمک و استناد به بحران خارجی و دشمنانی که برای خود تراشیده، به رویارویی با اعتراضها و نارضایتیها می‌رود و صورت مساله را از بی لیاقتی و سپاستهای ضد مردمی خود به سمت رویتهای امنیتی و پلیسی منحرف می‌کند. جدیدترین نمونه ادعای وقیحانه آخوند خامنه‌ای پیرامون واردات واکسن کرونا است. او در حالیکه در ۱۹ دی ۱۳۹۹ در برابر دوربین تلویزیون واردات واکسن را ممنوع کرد و موجب مرگ اجتناب پذیر دستکم دهها هزار تن گردید، در اواسط ماه جاری (فروردین) این کشتار را به «دشمنان» نسبت داد و آنها را متهم کرد که مانع صدور واکسن به ایران شدند.

دولت بحران

نقش دیگر بحران خارجی در رژیم ولایت فقیه، تحکیم و ماندگار سازی قدرت همان بخشی است که سیاست خارجی شناخته شده ج.ا را تعیین و هدایت می‌کند. بخش غالب نظامی - امنیتی رژیم ج.ا و در راس آن آخوند خامنه‌ای، انحصار قدرت، بقای خود و «جراحی» رقبا همیش را مدیون نظامی و امنیتی کردن سیاست به طور کلی است. دستگاه‌ها و نهادهای اداری و موسسات و مراکز اقتصادی یا زیر انوریت و فرمانبر این مجموعه است یا آنکه به گونه مستقیم توسط آنها پایش و اداره می‌شود. برخورداری از این موقعیت ممتاز از دل ماجراجویی و بحران سازی خارجی بیرون می‌آید. دستگاه قدرت ج.ا، سازوکار ویژه بحران و موقعیت اضطراری است، با این تفاوت که موقعیت اضطراری رژیم ج.ا گذرا و موقتی نیست و هر آن که بیم تحفیف آن برود، قدرت نظامی و امنیتی با پشتکار بسیار به بازتولید آشوب و تنش می‌پردازد.

عینی ترین نمونه پیرامون آثار محدودیت‌های ساختاری حاکمیت و ضرورت‌های ناشی از آن را در تجربه برجام می‌توان نگرست. رژیم ج.ا آنکه که در پی تحریم‌های فلج کننده دولت آقای اوباما ناچار شد تن به عقب نشینی از برنامه های هسته‌ای و موشکی خود بدهد، برای متوازن کردن خود با شرایط جدید، بی درنگ در جبهه ای دیگر بار تنش را افزایش داد. دستگاه نظامی - امنیتی حاکم از فرصت آزاد شدن منابع بلوکه شده و از سرگیری تجارت با غرب برای تقویت و گسترش فعالیت‌های شرارت بار خود در منطقه سود جست. راه اندازی حشدالشعبی در عراق، شدت گرفتن دخالتگری و

مخالفت جامعه با حجاب اجباری بر بستر جنبش انقلابی

زینت میرهاشمی



این طرح مدتهاست که در ابعاد متفاوت اعمال می شود و اکنون قانونمند کردن آن و رسیدن به بهره برداری مالی از آن، موضوع بحث مردسالاران است. روز یکشنبه ۲۰ فروردین، کلیات لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» در مجلس ارتجاع به تصویب رسید. این لایحه به مدت ۱۲ سال با نام «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» در دم و دستگاه رژیم چرخیده و تصویب نشده بود. تصویب کلیات آن در شرایط انقلابی فعلی، ساده سازی خواست آزادی و برابری جنسیتی زنان است. در همآوردی زنان با حکومت، تاریخ مصرف این گونه لوایح به اتمام رسیده است. جزئیات این لایحه ارتجاعی مورد مخالفت مجلس نشینان از موضع ارتجاعی تر قرار گرفت. در مورد طلاق، مسافرت زنان بدون همسر و نوع خشونت به دلیل ناهمخوانی با قوانین حکومت با مخالفت جدی روبرو شده است.

حمله شیمیایی به دانش آموزان

حملات شیمیایی زنجیره ای به مدارس دقیقاً بخشی از ابزار سرکوب برای انتقامگیری از دخترانی است که صحنه های مهمی از رویدادهای جنبش انقلابی جاری را با شهامت رقم زدند. رژیم با اینگونه ترفندهای جنایتکارانه در مورد دختران به شیوه طالبان در شکل جدید، قصد خانه نشین کردن زنان و گرفتن دستورالعمل جنبش انقلابی در مورد زنان است.

آنچه که این روزها در خیابانهای ایران می بینیم، نشاندهنده بی اعتباری سخنان سرکردگان جنگ علیه زنان در منبرهای نماز جمعه ها، حوزه جهلیه ملاها، دار و دسته آتش به اختیاران و... است. کاربرد فرهنگ ارتجاعی همراه با تحقیر و توهین به زنان، جریمه های میلیونی و میلیاردری، محرومیت از امکانات اجتماعی و... برای بالا بردن هزینه مبارزه و مقاومت زنان در برابر اجراهای حکومتی است.

تمامی واکنشهای رژیم، بازتولید خشونت و نهادینه تر کردن تبعیض جنسیتی است. خوشبختانه بر بستر شرایط انقلابی و مبارزه جاری زنان، تولید خشونت از طرف حکومت، تقویت ارباب و ترس نیست، بلکه تکثیر مقاومت و شجاعت است. تکرار قتل مهسا در مورد زنان مقاوم دیگر در بطن جنبش انقلابی از یک سو و از سوی دیگر ریزش درونی حکومت بیان هراس رژیم است. رژیم در برقراری تعادل بین نگرانی و هراس، عاجز است.

بدون شک در برابر زنانی که چه با حجاب و چه بی حجاب بنیاد رژیم را به چالش کشیده و برای سرنگون کردن آن طرحی نو در افکنده اند، تهدیدهای ارتجاع ولایت فقیه رنگ می بازد.



یکی از تأثیرات مهم جنبش انقلابی طی ۷ ماهه گذشته را در سیمای خیابانهای ایران می توان دید. چالش روزانه زنان با استبداد مذهبی مردسالار و ناتوانی حکومت در کنترل این همآوردی است.

یکی از دستاوردهای جنبش انقلابی، رنگین کمان شدن سیمای خیابانهای ایران با زنان بی حجاب و با حجاب است. ترمذ از حجاب حکومتی که طی ۴۴ سال چالش بین رژیم و جامعه بود، این روزها تبدیل به خار در چشم و استخوان در گلو رژیم ولایت فقیه شده است. سرپیچی از الگوی حجاب حکومتی دیگر منحصر به یک منطقه مرفه نشین نیست بلکه به مناطقی از شهرهای دور از انتظار رژیم هم کشیده شده است.



تا اینجا به جرات می توان گفت، آن بیرق ارتجاع مذهبی که برای تحمیل حجاب اجباری و برده کردن زنان با سنگین ترین سرکوبها برافراشته شده، توسط توفان انقلاب ژینا، به لرزه درآمده است.

در پی بی تأثیری چماق آتش به اختیاران و بیشتر شدن شکاف در حکومت بر سر سرکوب زنان، خامنه ای ضحاک وارد میدان جنگ با زنان شد. ولی فقیه روز سه شنبه ۱۵ فروردین نافرمانی در حجاب اجباری را «حرام شرعی» و «حرام سیاسی» اعلام کرد.

بعد از سیاسی و امنیتی کردن حجاب اجباری از طرف خامنه ای، مفسران ریز و درشت حکومتی، به تفسیر «حرام سیاسی» در مورد آزادی پوشش پرداخته و آن را در ردیف براندازی تعبیر کردند. رئیس «ستاد» ی برای اجبار به حجاب حکومتی در وزارت کشور تشکیل داد.

عربده های نمایندگان خامنه ای با دهانهای کف کرده در نماز جمعه ها، صدور پی در پی طرحهای سرکوبگرانه، شکاف در نظام مردسالار بر سر نوع «حجاب اسلامی»، تشویق آتش به اختیاران برای انجام خشونت و... واکنش حکومت در برابر ترکیشهای انقلاب است.

در برابر مقاومت زنان که با حمایت جامعه روبرو شده، آتش به اختیاران جرات رویارویی فردی نیافته و این بار به صورت چند نفری روانه جنگ با زنان شدند. به عنوان نمونه روز سه شنبه ۲۲ فروردین در شهرستان قروه در استان کردستان، گله ای از مردان با لباسهای سفید که روی آن نوشته شده بود «گروه تذکر لسانی» وارد جدال با زنان شدند.

به گفته حسین جلالی، مجلس نشین از رفسنجان، مجازاتهای سنگین در طرح حجاب و عفاف: «جرایم مالی تا ۳ میلیون تومان، ابطال گواهینامه رانندگی، ابطال پاسپورت، ممنوعیت استفاده از اینترنت» است. بنا به گفته وی: «در این طرح مواجهه کاملاً هوشمند است و هیچ تقابلی فیزیکی وجود ندارد.»

این گونه طرحها در ردیف کسب درآمد از جیب مردم است. راه اندازی آتش به اختیاران در خیابانها برای حمایت از حکومت راهی برای سرکوب زنان و «مجازات هوشمند» راهی برای کسب درآمد دولت است. این واکنش بیشرمانه و غیر انسانی در شرایط بحران اقتصادی است که به تبعیض جنسیتی، چپاول مردم را اضافه می کند تا زنانی را که توانایی پرداخت جریمه مالی ندارند، مجبور به رعایت حجاب کند.

پاسدار رادان، جنایتکار معروف و سرکرده نیروی انتظامی، اولتیماتوم داده که «پلیس از ۲۶ فروردین در هر سه حوزه «معاور عمومی، خودرو و اماکن تجاری» ورود خواهد کرد.»

قانونمند کردن طرح «هوشمندانه» و سرکوبگرانه «عفاف و حجاب» از جمله طرحهای جدیدی است که مهر تأیید خامنه ای ضحاک بر آن کوبیده شده است. البته

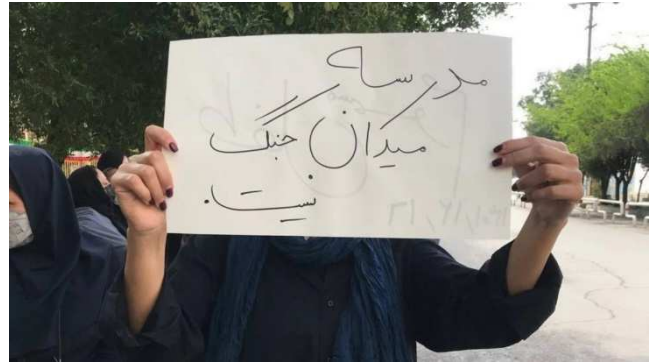
چالش‌های معلمان (فروردین ۱۴۰۲)

فرنگیس بايقره

مدیر یک مدرسه دخترانه در سقز استعفا داد



جنگ شیمیایی علیه دانش آموزان



از نهم آذر سال پیش تا پایان فروردین امسال یک سلسله یورش شیمیایی به مدارس در سراسر کشور، به طور همده مدارس دخترانه، صورت گرفته که شمار زیادی از دانش‌آموزان را دچار مسمومیت و راهی بیمارستان کرده است. از آن زمان تا کنون کارگزاران حکومت در مورد آمرا و عاملان این جنایت هماهنگ و سراسری سکوت کرده و تنها برخی نظریات مسخره و در مواردی وقیحانه بر زبان آورده اند. اما تردیدی نیست که با وجود نهادهای امنیتی گوناگون، حاکمیت از واقعیت این جنایت با خبر است و پنهان کردن آن به این خاطر است که سازمانیافته ترین نهاد در جمهوری اسلامی، یعنی سپاه پاسداران و نیروی بسیج وابسته به آن عاملان این جنایت و بخش امنیتی نهاد ولایت فقیه امر آن است. طی پنج ماه گذشته دانش آموزان در بیش از ۵۰۰ مدرسه دخترانه در بیش از ۱۱۰ شهر کشور با گاز سمی مورد حمله قرار گرفتند و هزاران تن از آنان را مسموم شدند و نهادهای امنیتی، سیاسی، تبلیغاتی رژیم به لاپوشانی کردن، فریبکاری و دروغپردازی مشغول هستند.

در روز سه شنبه ۲۲ فروردین، معاون امنیتی وزارت کشور با ردالت بیان کرد که: «اتفاقات مدارس در سال جدید ناشی از شیطنت دانش آموزان بود.» بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت رژیم وقیحانه گفت: «تصمیم گرفتیم که نام آن را بدحالی دانش آموزان بگذاریم زیرا شواهد محکمی برای مسمومیت دانش آموزان وجود نداشت... در بیش از ۹۰ درصد بدحالی دانش آموزان، هیچ نوع مسمومیتی دیده نمی‌شود و هیچ نوع سمی وجود ندارد و بیشتر شاهد استرس بودیم و درصد کمی نیز مربوط به شیطنتهایی بوده که صورت گرفته و باعث بدحالی دانش آموزان شده است.» روز چهارشنبه ۳۰ فروردین اقتصاد ۲۴ نوشت: «پنج ماه از انتشار اولین خبر مسمومیت دانش آموزان در مدارس می‌گذرد، اما هنوز خبری از شناسایی عاملان نیست. در این شرایط مسئولان، مسمومیت دانش آموزان را "بدحالی" و تمارض و شیطنت کودکانه می‌خوانند.»

جان باختن یک دانش آموز



کارو پشابادی

کارو پشابادی کودک دانش آموز اهل کامیاران در استان کوردستان و ساکن تهران، که بر اثر حمله شیمیایی به مدرسه مسموم شده بود، روز آدینه ۱۸ فروردین ۱۴۰۲ در بیمارستان میلاد تهران جان باخت. پیکر این کودک جانباخته روز شنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۴۰۲ در روستای «پشاباد» از توابع کامیاران به خاک سپرده شد.

روز شنبه ۲۶ فروردین، مدیر دبیرستان دخترانه متوسطه معراج در سقز که دانش آموزانش دچار مسمومیت شده بودند، در اعتراض به «حملات شیمیایی» به مدارس از سمت خود استعفا داد. خانم پرشنگ رنجبری، عدم شناسایی عاملان این مسمومیتهای و قضاوت ناعادلانه نسبت به کادر اجرایی و آموزشی این مدرسه را از دلایل دیگر استعفا خود بر شمرده است.

بیانیه جمعی از وکلا و سینماگران

جمعی از وکلا و سینماگران ایرانی، با انتشار بیانیه ای، ضمن اعتراض به تداوم مسمومیت دانش آموزان در مدارس کشور، خواستار شناسایی عوامل آن شدند. در بخشی از این بیانیه آمده است: «مسمومیتهای عمدی در مدارس ایران که از آذر ماه ۱۴۰۱ در قم شروع شده است، تا پایان سال بیش از ۱۳ هزار نفر را مسموم کرده است. گویی این عمل نوعی تهدید و انتقام‌گیری از دختران جوان و نوجوانی است که در جنبش دوران ساز "زن، زندگی، آزادی" وجهه همت خود را پایان دادن به حجاب اجباری و مطالبه حقوق زنان قرار داده اند.» بیانیه ادامه می‌دهد: «در حالی که هر اقدام و حرکت اعتراضی از چشم نیروهای استبدادی پنهان نمی‌ماند بی توجهی به کشف عامل این جنایتها، دستور کار باندهای پنهان در تاریکخانه های قدرت مافیایی است.»

گیتی پورفاضل، جعفر پناهی، رمضان حاجی مشهدی، سعید دهقان، کتابون ریاحی، حسین رئیس، فرزانه زیلابی، نسرين ستوده، مهرانگیز کار و محمد مقیمی امضا کنندگان این بیانیه هستند.

برخی از هدفهای حمله شیمیایی

روز دوشنبه ۱۴ فروردین، ۵ دانش آموز دختر در یکی از مدارس شهرستان نقده در پی مسمومیت به بیمارستان منتقل شدند. این در حالی است که اواخر سال گذشته، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی از بازداشت تمام عوامل مربوط به مسمومیت دانش آموزان خبر داده بود.

روز سه شنبه ۱۵ فروردین، بیست دانش آموز از یک مدرسه دخترانه در تبریز با علائم مسمومیت به بیمارستان منتقل شدند.

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۵

روز چهارشنبه ۳۰ فروردین، دانش آموزان در تهران (دبیرستان دخترانه امت و مدرسه یحییوی)، ارومیه (دبیرستانهای دخترانه نصیری و ابودر)، همدان (هنرستان چمران) و دزفول (دبیرستان دخترانه پشتازان) با گاز سمی مسموم و شمار زیادی از آنان به مراکز درمانی روانه شدند.

سلیمان عبدی به بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج منتقل شد



سلیمان عبدی

روز چهارشنبه ۱۶ فروردین، سلیمان عبدی، عضو انجمن صنفی معلمان سقز و زیویه جهت انجام مراحل بازجویی به بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج منتقل شد. وی پیشتر در روز ۲۸ اسفند سال پیش، توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود بازداشت شده بود. سلیمان عبدی تاکنون از دسترسی به وکیل انتخابی و ملاقات با خانواده محروم مانده است. تا زمان تنظیم این گزارش از دلایل بازداشت و اتهامات مطروحه علیه این شهروند اطلاعی حاصل نشده است.

سلیمان عبدی، معلم و عضو انجمن صنفی معلمان کردستان شاخه سقز و زیویه، پیشتر نیز به واسطه فعالیتهای خود بازداشت و برخوردهای قضایی داشته است.

محمد حبیبی، فعال صنفی معلمان بازداشت شد

محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران، روز چهارشنبه ۱۶ فروردین، توسط مأموران امنیتی در محل کار خود بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. مأموران پس از بازداشت اقدام به تفتیش منزل آقای حبیبی کردند. خانم خدیجه پاک ضمیر همسر محمد حبیبی اعلام کرد: مأموران به همراه او جهت تفتیش منزل به خانه آمدند و با فحاشی نسبت به ایشان و بنده، وی را به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند.

بازداشت فریبا زند کریمی توسط اداره اطلاعات



فریبا زند کریمی

روز چهارشنبه ۱۶ فروردین، فریبا زند کریمی، معلم ساکن سنندج پس از احضار به اداره اطلاعات این شهرستان بازداشت شد. تاکنون از دلایل بازداشت و اتهامات مطروحه علیه این شهروند اطلاعی حاصل نشده است. فریبا زند کریمی، ۳۵ ساله و از معلمان قراردادی اداره آموزش و پرورش سنندج است.

زندانی شدن فعالان صنفی فرهنگیان

روز شنبه ۱۹ فروردین، انوش عادل، محمود صدیقی پور و عزیز قاسم زاده، فعالان صنفی فرهنگیان گیلان جهت تحمل دوران محکومیت خود راهی زندان لاکان رشت شدند.

انوش عادل، محمود صدیقی پور و عزیز قاسم زاده از بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» پیشتر توسط شعبه سوم بیدادگاه انقلاب شهرستان رشت هر کدام به یک سال حبس تعزیری محکوم شده بودند. این حکم نهایتاً توسط بیدادگاه تجدیدنظر استان گیلان عیناً تأیید شد.

در رویدادی دیگر، در همین روز امید شاه محمدی، فعال صنفی معلمان در دیواندره جهت تحمل دوران محکومیت یک سال حبس خود راهی زندان بیجار شد.

حرکت‌های اعتراضی معلمان، دانش آموزان و خانواده‌ها

اعتراض خانواده‌ها به حمله شیمیایی علیه مدارس

روز یکشنبه ۲۰ فروردین، مردم سقز همراه با دانش آموزان و خانواده‌های آنها مقابل مدارس دست به تجمع اعتراضی زدند و با روشن کردن آتش در خیابانها، شعار «مرگ بر خامنه‌ای» سر دادند.

بقیه در صفحه ۷



روز چهارشنبه ۱۶ فروردین، هفت دانش آموز دبیرستان دخترانه سلامت در قم، با علائم مسمومیت راهی بیمارستان شدند. در همین روز تعدادی از دانش آموزان شیفت بعد از ظهر مدرسه دخترانه المهدی پیرانشهر، با علائم مسمومیت راهی بیمارستان شدند.

روز شنبه ۱۹ فروردین، ۱۹۰ دانش آموز دختر در شهرهای اردبیل و پردیس با علائم مسمومیت راهی بیمارستان شدند. در همین روز شصت نفر از دانش آموزان مدرسه هاجر در شهرستان هفتکل، تعدادی از دانش آموزان مدرسه دخترانه ابتدایی سعدی در ارومیه و شماری از دانش آموزان دختر از پنج مدرسه در اردبیل با علائم مسمومیت راهی بیمارستان شدند.

روز دوشنبه ۲۱ فروردین، شماری از دانش آموزان مدرسه دخترانه صدر در کرج دچار مسمومیت شدند.

روز یکشنبه ۲۰ فروردین، در پی مسمومیت سریالی دانش آموزان در مدارس کشور، بیش از صد دانش آموز دختر در شش مدرسه در سقز با علائم مسمومیت راهی بیمارستان شدند. همچنین تعدادی از والدین دانش آموزان در پی اعتراض به مسمومیت فرزندشان، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. همزمان دانش آموزان مدارس دخترانه چمران در سنندج، عصمت در زرینه (استان کردستان) با گاز سمی مورد حمله قرار گرفتند. در مراغه ۳۰ تن از دانش آموزان مدرسه قدسیه در روستای ورجوی به دنبال مسمومیت به بیمارستان منتقل شدند.



روز سه شنبه ۲۲ فروردین ماه، شماری از دانش آموزان مدارس دخترانه در شهرهای کرمانشاه، کامیاران و اصفهان دچار مسمومیت شدند.

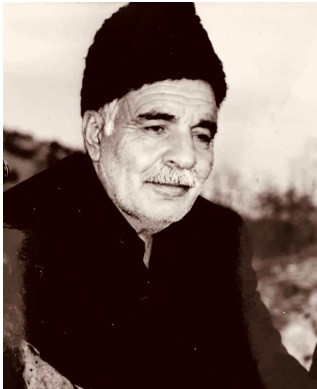
روز یکشنبه ۲۷ فروردین، دانش آموزان شماری از شهرها از جمله در تهران (مدارس ستایش و طلوع)، کرج (مدرسه سلیمانی)، قزوین (مدرسه یاس نبی)، اسلامشهر (مدرسه عترت)، اردبیل (مدرسه معراج)، ارومیه (مدرسه طراوت)، بابل (مدرسه امانت) و بهارستان تهران مسموم و بسیاری از دانش آموزان به مراکز درمانی منتقل شدند. تنها در ارومیه بیش از ۴۰ دانش آموز روانه بیمارستان شدند.

روز دوشنبه ۲۸ فروردین، مسموم کردن دختران دانش آموز در شهرهای مختلف ادامه یافت و دانش آموزان از جمله در گیلانغرب (دبیرستانهای عصمت و خدیجه کبری، مدرسه راهنمایی ۱۷ شهریور و هنرستان اندیشه)، سنندج (نسبیه)، کرج (ملک زاده، امام جعفر صادق و هنرستان محمد باقر)، تبریز (آسمان)، بوکان (فجر و عصمت)، کرمانشاه (معلم)، مدرسه دخترانه پارسه صفهان، آسمان تبریز، بنت الهدی صدر خرم آباد، جعفر صادق کرج، دزفول (ام سلمه)، دیواندره (هاجر)، ارومیه (مولانا)، سقز (غزه)، شیراز (حاج توحیدی) با گاز سمی مورد حمله قرار گرفته و شمار زیادی از آنان روانه مراکز درمانی شدند که حال تعدادی از آنها بد است.

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۵

در سوگ و اندوه درگذشت پدر سهراب اسدیان



با تاسف و تأثر فراوان سهراب اسدیان فیلی، در بامداد روز سه شنبه ۸ فروردین ۱۴۰۲ پس از تحمل چندین دهه رنج و ستم از دیکتاتوری سلطنتی و استبداد دینی ما را ترک کرد و چشم از جهان فرو بست.

زنده یاد سهراب خان، پدر جاوید نام رفیق شهید سیامک اسدیان (اسکندر) از فرماندهان نظامی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و برادر زنده یادان رفقای شهید توکل اسدیان و نورالله اسدیان بود، که هر سه توسط مزدوران رژیم ولایت فقیه به شهادت رسیدند.

سهراب اسدیان بزرگ خانواده ای از ایل بیرانوند (لرستان) بود و در زندگی خود، به ویژه در دوران حیات نتگین جمهوری اسلامی رنج و درد بیشمار را با مقاومت تحمل کرد و در برابر مستبدان حاکم سر خم نکرد. همسر رفیق سیامک، فدایی شهید جاوید نام رفیق زهرا بهکیش (اشرف) نیز به دست جلادان خمینی به شهادت رسید.

نبرد پدر سهراب اسدیان را از جانب خود و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، به خانواده بزرگ اسدیان، خانواده شهدا و زندانیان سیاسی جنبش پیشتاز فدایی، مردم دلیر و قهرمان لرستان و به تمام آزادیخواهان و شورشگران علیه نظام ولایت فقیه تسلیت می گویم.

مهدی سامح

سه شنبه ۸ فروردین ۱۴۰۲ - ۲۸ مارس ۲۰۲۳

نبرد خلق: پیکر زنده یاد آقای سهراب اسدیان فیلی در روز چهارشنبه ۹ فروردین طی مراسمی پرشور با شرکت تعداد زیادی از مردم در آرامستان روستای قلعه رحیم، در کنار مزار فرزنداناش به خاک سپرده شد.

همزمان معلمان در همدان ناحیه دو مدرسه محمود کاظمی، در مدارس بوکان، در مدرسه فاضل جمی در شهرستان جم (استان بوشهر) و در دبیرستان نقی زاده زرین دشت (استان فارس) دست به تحصن زدند

تجمع سراسری فرهنگیان شاغل و بازنشسته دستکم در هفت شهر



روز پنجشنبه ۱۷ فروردین، جمعی از معلمان در شهرهای همدان، ملایر، کرمانشاه، ارومیه، نیشابور، تهران و کرج مقابل ساختمان اداره آموزش و پرورش این شهرها در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان تجمع اعتراضی برگزار کردند. گفتنی است، تجمع معلمان در کرج با ممانعت ماموران امنیتی رو به رو شد.

معلمان در کرمانشاه با سر دادن شعارهایی همچون «محمد حبیبی آزاد باید گردد» از این فعال صنفی که روز چهارشنبه ۱۶ فروردین توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد، حمایت کرده و خواستار آزادی او شدند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، ایران، هران، دبیرخانه شورای ملی، مقاومت ایران، کانال تلگرام ۱۵۰۰ تصویر، رکن، مردم سالاری، کردیا، انتخاب)



روز سه شنبه ۲۲ فروردین، مادران کودکان مسموم شده، در حیاط اداره آموزش و پرورش آمل بر سر یک آخوند و مدیران این اداره فریاد می زدند و خواستار پاسخگویی آنها در قبال حملات شیمیایی شدند. در همین روز شماری از مردم آمل و خانواده های کودکان مسموم شده در دو مدرسه «دین و دانش» و «پروین اعتصامی»، مقابل اداره آموزش و پرورش آمل تجمع اعتراضی برپا کردند.

همزمان مادران دانش آموزان مسموم شده مدرسه شایان اصفهان در برابر این مدرسه تجمع کردند. در این تجمع یکی از مادران دانش آموزان مسموم شده با فریاد گفت: «تا بچه هامون نکشید، دست بر نمی دارید.»

روز شنبه ۲۶ فروردین خانواده دانش آموزان در شاهین شهر در اعتراض به مسموم سازی فرزنداناش مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر دست به تجمع زدند و با شعارهای «مرگ بر حکومت بچه کش»، «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر عامل مسمومیت»، «دانش آموز می میرد، ذلت نمی پذیرد» و «هیز تویی هرزه تویی، زن آزاده منم» دست به اعتراض زدند. نیروهای سرکوبگر به تظاهرکنندگان یورش بردند و گاز اشک آور شلیک کردند. مردم با فریادهای بی شرف بی شرف به مقابله با آنها پرداختند.

در پی حمله شیمیایی به دبیرستان دخترانه «یاس نبی» در قزوین، روز یکشنبه ۲۷ فروردین خانواده های دانش آموزان مقابل ساختمان این مدرسه تجمع و اعتراض کردند.

روز دوشنبه ۲۸ فروردین، جمعی از خانواده های دانش آموزان اهواز برای اعتراض به حمله شیمیایی زنجیره ای مقابل فرمانداری این کلانشهر تجمع کردند.

تجمع معلمان دستکم در یازده شهر



روز سه شنبه ۸ فروردین، شماری از معلمان در شهرهای تبریز، بجنورد، بانه، زنجان، ملایر، ارومیه، قزوین، ملایر، اردبیل، کرمانشاه و همدان مقابل اداره های آموزش و پرورش این شهرها تجمع اعتراضی برگزار کردند. تجمع این معلمان در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم رسیدگی به مطالباتشان صورت گرفته است.

تجمع و تحصن معلمان در پنج شهر

روز دوشنبه ۱۴ فروردین، جمعی از معلمان فیروزه برای اعتراض به عدم اجرای کامل طرح رتبه بندی و عدم پرداخت بوموق حقوق اسفند ماه دست به تجمع مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرستان در استان خراسان رضوی زدند. در این تجمع حدود ۲۰۰ نفر از معلمان شهرستان فیروزه اعتراض خود را به نحوه پرداختیهای اسفندماه گذشته، اجرای قانون طرح رتبه بندی و نحوه قرار گیری در رتبهها و مسائل رفاهی و بیمه ای را مطرح کردند.

شهر زیبا: خروش جوانان در شب تولد جاوید نام حمید رضا روحی

مرجان

با هر طلوع خورشید به جای نورافشانی روزی امیدبخش و شادکام، شوربختانه گامی دیگر به سوی سقوط و ویرانی نزدیک می شویم. چهل سال به جای زندگی کردن، جنگیدیم و با حسرت، پرپر شدن گل‌های آرزو را نظاره گر شدیم.

ساعت تحویل هر سال، با شوقی وصف ناپذیر به همدیگر وعده سالی خوب دادیم و باز در آغاز سال بعد گفتیم دریغ از پارسال.

نوجوانی و جوانی مان با تغییرات شگرف اجتماعی و سیاسی آغاز شد که نه تنها کشور ما، که جهان را دستخوش دگرگونی ساخت، اما نه تغییراتی که منتظرش بودیم و سزای سالها مبارزه با استبداد و استثمار و دادن خون صدها شهید راه آزادی و برابری بود، که شروع یکی از وحشت آفرین ترین حکومت‌های تاریخ بشریت بود، تولد شیاطینی بی تکرار در خاطره بشریت، با دروغ و نیرنگ و کشتار مدعی پایه گذاری حکومت خدا بر روی زمین شدند.

نه از خون بیگناه ترسیدند نه از غصب مال دیگران، که در ذهن عقب مانده شان به ۱۴۰۰ سال پیش برگشته بودند و ایران را دوباره فتح کرده و اکنون با فراغ بال سرگرم تقسیم غنائیم بودند.

سیل مهاجرت از ایران آغاز شد

هزاران نفر گریختند تا آنسوی دنیا خانه و زندگی تازه ای به دور از این مدعیان حکومت الله برای خویش بنا کنند. حاکمینی که سر تا پای وجودشان از عقده و تحقیر کبک زده بود و نه در تاریخ مبارزه نامی سربلند داشتند و با لیس زدن چکمه های اعلیحضرت و سپاس گفتن برای شاهنشاه، برای خود امان خریده بودند تا فرصت کافی دزدیدن انقلاب ۵۷ را بدست بیاورند، به جان مبارزان اصیل و پیشگامان حرکت عظیم مردم ایران، افتادند و برای رو سفید کردن چنگیز و اسکندر از هیچ جنایتی رویگردان نکردند. حاکمینی که ادعای فتح خاورمیانه و اسرائیل را بهانه ساختند تا صدها هزار نفر از مردم ایران و عراق را درگیر جنگی بی معنی و خانمان برانداز کنند و سرمایه نسلهای آینده را پای شلیک توپها قربانی سازند که: جنگ نعمت است و باز هزاران نفر از کشور گریختند.

کسانی که آینده روشنی برای خود در کشور اشغال شده نمی دیدند، بعد از پایان خفت بار جنگ، حاکمان جهت درمان زخم چرکین وجودشان و فراموشی شکست شان، به سوی هزاران اسیر دریند شمشیر کشیدند و با راه انداختن کشتاری دهشتناک و با تنگ تاریخی اسیر کشی، آرام گرفتند.

با نقاب دموکراسی و انتخابات به فریب مردم مشغول شده و با جنگ حیدری نعمتی و بازی اصلاح طلب و اصولگرا، به رسالت اصلی خود پرداختند: غارت فرماندهان شکست خورده جنگ، اکنون در حال فتح خاکریزهای جدید شدند، تصاحب ثروت‌های ملی، انواع انحصارات و امتیازات و خداوندان رانت و ...

فاصله بین فقیر و غنی زیاد و زیاده تر شد هر روز سفره کارگر و کارمند کوچک و کوچک تر شد.

اعتراضات را با بی رحمی سرکوب کردن و جواب لقمه نان من کو را با کشتار دادن، به مردم فهماند که حکومت «مستضعفان» دروغی تلخ بود. آمده بودند که نان را از فقیر بریند و قدمی برای آبادانی ایران برندارند، چون آمده بودند که نمانند و بعد از اتمام غارت کشوری زرخیز با ثروتی بی نظیر، سرزمینی سوخته برجای بگذارند و میلیونها نفر دیگر قید زندگی در وطن را زده و غربت را به تحمل رنج و فقر ترجیح دهند.

کم کم فرایند نابودی ایران سرعت گرفت، اکنون خانه ای نیست که در آن حرف رفتن نباشد.

اگر در سالهای پیش مهاجرت مختص افراد برخوردار و متخصص بود اکنون از وحشت سقوط اقتصاد کشور سونامی فرار و مهاجرت سرزمین ما را در نور دیده است.

مردمی که شب می خوابند و صبح اندوخته های شان به ناگاه نصف می شود به معنای واقعی کلمه، امنیت اقتصادی برای شان تعریف نشده است.

دیگر حتی خرید ارزان ترین و بی کیفیت ترین وسیله نقلیه هم تبدیل به آرزو شده، داشتن مسکن و سر پناه که ابتدایی ترین حق هر ایرانی است تقریباً امری محال برای میلیونها هموطن شده است. جوانانی با کمترین امید به آینده، راهی ندارند به جز رفتن. خانواده هایی که با گذشت هر ثانیه از عمر حکومت غاصب خود را بیشتر در سراسیمگی سقوط مالی و فشارهای اجتماعی حس می کنند راهی ندارند به جز رفتن. آنان که نمی خواهند استیلائی این جاهلان و غارتگران را تحمل کنند، راهی ندارند جز مبارزه و زندان و جان فدا کردن و یا رفتن.

اما سوال این است آنان که نمی خواهند دل از خاک و زاد و بوم خویش بر کنند و ایران را ویرانه ببینند و آرزو و امیدشان، نابودی شیرین و آدمکشان و برپایی دموکراسی، عدالت و رفاه و سربلندی وطن است چاره ای جز ماندن دارند؟

آنها که نمی خواهند میدان جنگ را ترک کنند و می میرند تا کابوس سرزمین سوخته، هرگز محقق نشود، راهی جز ماندن ندارند.

ما نمی رویم، همین جا می مانیم و با یاری صادقانه مهاجرانی که دل در هوای خاک ایران دارند، ایران را از اشغالگران پس خواهیم گرفت.



شامگاه چهارشنبه ۱۶ فروردین، با فراخوان پیشین، مراسم شب تولد جاوید نام حمیدرضا روحی، برابر منزل یدر شهید حمید رضا در شهر زیبا (تهران) برگزار شد. مردم با حضور در این مکان یاد این شهید راه آزادی را گرامی داشتند. کانال تلگرامی ۱۵۰۰ تصویر عکسهایی از خروش مردم را پوشش داده است.

ماموران سرکوبگر رژیم عکسها و گل‌هایی که به این مناسبت در محل زندگی، او نصب شده بود را کنده و با خود بردند.

در این شهر مردم و به ویژه جوانان با تظاهرات و سردادن شعار یاد و نام حمید رضا روحی را گرامی داشتند. تعداد پرشمار مردم در بلوار جوانمردان، و مسیرهای منتهی به منزل شهید حمید رضا روحی همراه با سردادن شعار حرکت می کردند. مردم ترانه «بارون اومد و یادم داد» برای تولد حمید رضا می خواندند.

بخشی از شعارها چنین بود:

مرگ بر خامنه‌ای لعنت بر خمینی

خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک

مرگ بر دیکتاتور

آزادی، آزادی، آزادی

زن، زندگی، آزادی

حکومت بچه‌کش نمی خواهیم

این آخرین پیامه، هدف کل نظامه

حمیدرضا نمرده، سیدعلی یه که مرده

سید علی بی ریشه، خیزش تموم نمیشه

هیز تویی هرزه تویی زن آزاده منم

سیدعلی بی ریشه، خیزش تموم نمی شه

حمیدرضا می جنگیم، خونت رو پس می گیریم

زنده یاد حمید رضا روحی جوان ۱۹ ساله، در شامگاه جمعه ۲۷ آبان ۱۴۰۱، در منطقه شهر زیبا با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر حکومت به قتل رسید.

مادران، آبان عکس فرزندان، شان را در کنار مزار حمید رضا روحی، گذاشته و برای او آهنگ «بارون اومد و یادم داد» را خواندند.

حمیدرضا روحی در آخرین پست اینستاگرامش نوشته بود: اگر اینترنت را تا ابد قطع کردند، می خواهیم این آخرین پست من باشد؛ زنده باد زن، زنده باد آزادی،

زنده باد ایران

رویدادهای هنری ماه فروردین (۴۰۱)

گردآوری و تنظیم: فتح الله کیائیه

که ما زودتر منقرض شویم، سخته کنیم و بمیریم. حتی جوانان هم اگر ذره ای مستقل باشند، حاکمیت دوست دارد آنها هم تصادف کنند و بمیرند و موی دماغش نباشند.» پوراحمد در ادامه می گوید: «حاکمیت فیلمهای بی خاصیت، کمدهی شاخ پشمی، رحمان و فلان فلان دوست دارد. هیچ علاقه ای به ذره ای تفکر و اندیشه نیست و دوست دارد تا ما منقرض و نابود شویم.»



کیومرث پوراحمد در بخش دیگری از این فایل در پاسخ به پرسشی درباره تخریب میراث و بافت تاریخی شهر رشت، از بین رفتن جنگلها و منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست در این منطقه گفت: «اینکه شهر را در معرض خطر قرار دادند، فقط مختص به رشت نیست، کل ایران را در معرض خطر قرار دادند، واقعا دریاچه ارومیه چرا خشک شد؟ به نظر من دستهای پنهانی هست که می خواهد محیط زیست ایران و خیلی چیزهای دیگر را هم از بین ببرد.»

این سینماگر در این فایل می گوید: «قطعا دستهای پنهانی هست. عده زیادی از این بچه های محیط زیست در زندان هستند. واقعا این ماجرا خیلی مشکوک است و فقط در رشت نیست، در همه جای ایران شاهد چنین وضعی هستیم.»

مقاومت مدنی سینماگران و بازیگران



باوجود تهدیدهای حکومت ایران، مخالفت با حجاب اجباری از سوی زنان و دختران در شهرهای مختلف کشور ادامه دارد. بسیاری از هنرمندان نیز کماکان در حمایت از خانواده کشته شده شادگان اعتراضات به دیدار آنها می روند.

در تصاویری که از برگزاری مراسم تشییع کیومرث پوراحمد، سینماگر سرشناس منتشر شده است، تعدادی از هنرمندان زن مانند کتابون ریاحی، فاطمه معتمد آریا و گلاب آدینه بدون حجاب اجباری حضور داشتند.

کتابون ریاحی از نخستین هنرمندانی بود که حجاب اجباری را برداشت و از اعتراضات مردمی در ایران حمایت کرد. نیروهای امنیتی به همین دلیل او را بازداشت کردند، مدتی در زندان بود و در نهایت محاکمه شد.

در رویدادی دیگر، زینب مولایی راد، مادر کیان پیرفلک در حساب کاربری خود در اینستاگرام تصاویری از دیدار فاطمه معتمد آریا، جعفر پناهی، و محمد رسول اف با خود را منتشر کرد.

او همراه با این تصاویر نوشت: «سپاسگزارم از شما انسانهای بزرگ و نیک اندیش که با حضورتان باعث تسکین دلان می شوید.»

فاطمه معتمد آریا در این تصاویر بدون حجاب اجباری دیده می شود. از هنگام آغاز اعتراضات سراسری در ماه شهریور، بسیاری از هنرمندان زن ایرانی ضمن انتقاد از حجاب اجباری خواستار لغو این قانون شدند.

بقیه در صفحه ۱۰

این قافله هرگز سر تسلیم ندارد



شیر زنی پس از سالها از زندان رها می شود، او نمونه ای از زنان این سرزمین است. آنچه بر زبان جاری می کند چنین است: «خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک». نقاب مومی بزرگواری و بخشندگی رهبر مسلمان جهان بر چهره آب می شود و هیولا وحشت زده فرمان شلیک به اختیار صادر می کند.

مدارس دخترانه بمباران شیمیایی می شود. بوی گند دهان ضحاک فضای مدارس را عفونی می کند. دختران و پسران دانش آموز راهی تخت بیمارستان می شوند، اما در پس زمینه این فیلم جنایی، همچنان مارش انقلاب پخش می شود: «خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک».

دهه فجر ضحاک با عدم حضور هنرمندان مردمی و مستقل به دهه زجرش تبدیل می شود. آتش به اختیاراتش چونان هیولاهایی قرون وسطایی درب خانه هنرمندان، نویسندگان و روزنامه نگاران را می کوبند. دستگیر می کنند. به بند می کشند و شکنجه می دهند، اما موسیقی انقلاب در پس زمینه فیلم اعراب و سرکوب همچنان طنین افکن است.

مقاومت مردمی و غریو خشم زنان، در کوچه و خیابان و مترو و اتوبوس، آتش به اختیاران «یا روسری یا توسری» گویان را پس می زند. فروشگاهها و رستورانها از فرمان رهبر جنایتکاران مبنی بر عدم پذیرایی از زنان آزادیخواه سر می زند و با چهره ای بشاش میهمانان را میزبانی می کنند.

دژخیم وحشت زده و سراسیمه به انتقام برخاسته، اما بیش از هرکس دیگر خوب می داند که سقوط حتمی است و سراسیمگی سرنگونی تند تر و دره عمیق تر از همیشه است.

زنان دیگری کنج زندان را به رهایی بزرگوارانه ضحاک ترجیح می دهند و چهره در چهره مزدوران دژخیم فریاد می زنند: «خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک». نخبگان زندانی برای جوانان انقلابی و سرنگونی طلب پیام می فرستند: «جای ما در کنار شما خالی است.»

خبر خودکشی سینماگری درد آشنای مردم را منتشر می کنند و همزمان مردم شریف تصاویری دردناک از آثار شکنجه بر پیکر این هنرمند را منتشر کرده و انگشت اتهام را به سمت رهبر جنایتکاران نشانه می روند.

حوادث بعدی نشان می دهد که این بار هم تیر رژیم منحوس به سنگ خورده است و برخلاف خواسته اش که همانا ایجاد رعب در جامعه ی هنری است، بسیاری از هنرمندان مستقل و مردمی در مراسم تشییع جنازه همکارشان شرکت کرده و مراسم با شکوهی را رقم می زنند.

این یک نمایش بزرگ هنری است؛ یک شاهکار در هنر انقلاب، یک فریاد رسای «نه» به دژخیم و یک منولوگ انقلابی که «می جنگیم، می میریم، ذلت نمی پذیریم». آری، خون انقلاب در رگهای خیابان آرام آرام در جریان است و یخهای سکون و سکوت آب می شود.

آنکه می گوید حرکت مرد، برود شرم کند.

هنر مقاومت

انتشار فایلی از سخنان کیومرث پور احمد

انتشار یک فایل صوتی از کیومرث پوراحمد، سینماگر سرشناس ایرانی، که چهارشنبه ۱۶ فروردین در ۷۴ سالگی درگذشت، بازتاب زیادی در شبکه های اجتماعی داشت.

این فایل صوتی گویا مربوط به یک جلسه عمومی است که با حضور کیومرث پوراحمد در ۱۹ آبان ۱۳۹۸ در رشت برگزار شده است. او می گوید: «این شرایط بخصوص برای نسل ما که پنج، شش نفر هم بیشتر نیستیم، وجود دارد و حاکمیت آرزو می کند

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۹

تعدادی از این هنرمندان مانند ترانه علیدوستی به دلیل حمایت از معترضان ایرانی و انتشار تصاویر بی‌حجاب خود در شبکه‌های اجتماعی برای مدتی بازداشت شدند.

چهره‌های هنری و حقوقی: افشای حمله نظام مند به دبستانهای دخترانه وظیفه ماست

تیغ سانسور، گلوی سیمای جمهوری اسلامی را هم برید
تیغ سانسور مقام عظاما بالاخره سیمای خودش را هم بی‌نصیب نگذاشت و دستپخت مزدورانش را نیز به محاق برش و سانسور کشید.
کارگردان مجموعه تلویزیونی «نون خ» که به سفارش صداوسیما جمهوری اسلامی ساخته شده، از بیننده‌ها به دلیل سانسور شدید آن، عذرخواهی کرد.
سعید آقاخانی در اکانت اینستاگرامی خود نوشت: «سریال "نون خ" بعد از میزبانی تلویزیون برای پخش در "تلویزیون" که پلتفرم پخش اینترنتی صداوسیما است، مجدداً و بدون اجازه ما توسط خود تلویزیون میزبانی شدید شد.»
این مجموعه تلویزیونی توسط گروهی ساخته شده که سالهاست با صدا و سیمای جمهوری اسلامی کار می‌کنند، از این جهت اعتراض کارگردان آن به سانسور، در نوع خود قابل توجه است.

کلینت ایستود ۹۲ ساله و کارگردانی یک مجموعه درام حقوقی



کلینت ایستود، بازیگر و کارگردان سرشناس آمریکایی در ۹۲ سالگی برای ساخت فیلم جدید خود آماده می‌شود. این درام حقوقی «عضو شماره ۲ هیات منصفه» نام دارد و برای شرکت «برادران وارنر» تولید می‌شود.
به گزارش «هالیوود ریپورتر»، کلینت ایستود ماهها به دنبال یافتن بازیگران مناسب برای نقشهای اصلی بود و پس از هفته‌ها مذاکره با «نیکلاس هولت» و «تونی کولت»، سرانجام پنجشنبه پیشنهاد رسمی به آنها ارائه شد.
ماجرای فیلم درباره محاکمه یک متهم به قتل است. در این فرآیند، شخصیت اصلی با بازی نیکلاس هولت، از اعضای هیات منصفه، متوجه می‌شود که ممکن است باعث مرگ قربانی شده باشد. او باید تصمیم بگیرد که سایر اعضای هیات منصفه را برای نجات خود همراه کند، یا اینکه واقعیت را بگوید و تسلیم قانون شود. تونی کولت نقش دادستان را بازی خواهد کرد.
تولید این پروژه از اواسط ماه ژوئن و هنگامی آغاز می‌شود که کلینت ایستود ۹۳ ساله خواهد بود؛ به این ترتیب او یکی از مسن‌ترین سینماگرانی است که هنوز فیلم می‌سازند.



ده هنرمند، حقوقدان و فعال مدنی در یک بیانیه اعلام کردند حملات شیمیایی به مدارس دخترانه «نظام مند» است و «بی‌تردید پایداری و افشای آمران و ماموران این جنایت دهشتناک وظیفه‌آنی و فوری ماست».

در این نامه از کنشگران، فعالان مدنی، حقوق بشر و کوشندگان جنبش «زن، زندگی، آزادی» خواسته شده، نسبت به «افشای آمران و مامورین» این حملات اقدام کنند. این هنرمندان و حقوقدانان ماهیت این حملات را «جنون آمیز» نامیدند و آن را مصداق «جنایت علیه بشریت» دانستند.
گیتی پورفاضل، کتابون ریاحی، جعفر پناهی، رمضان حاجی مشهدی، سعید دهقان، حسین رئیسی، فرزانه زیلابی، نسرین ستوده، مهرانگیز کار و محمد مقیمی امضاکنندگان این بیانیه هستند.

سینما

«صدای سم اسپها» و «آسمان بدون ماه» در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان



در سال ۲۰۲۳ در بخش ویژه جشنواره بین‌المللی فیلم زنان که در شهر «کرتی» حومه پاریس برگزار می‌شود، پنج فیلم از ایران پذیرفته شده است. «صدای سم اسپها»، ساخته فرگل مسروری راد و حسین زیتونی نژاد درباره زندگی کولبرها در کردستان ایران و «آسمان بدون ماه»، ساخته هانیبه بهرام درباره مصائب یک مادر ایرانی که فرزندش به دندان درد مبتلا شده.

این فیلمسازان زن اولویت خود را کاوش در گستره ویژگیهای انسانی از طریق شخصیت‌های زن و مرد داستان شان قرار می‌دهند و مسائل مختلف را در پرتوهای زنانه غنی و متنوعی به نمایش می‌گذارند.

جشنواره بین‌المللی فیلم زنان هر سال بیش از ۱۳۰ فیلمساز زن و بیست هزار تماشاگر را گردهم می‌آورد.

آثار منتخب بخش رقابتی کن، بدون حضور سینمای حکومتی



حضور قدرتمند جوانان انقلابی در خیابانهای ایران، سایه مماشات را از سر جشنواره کن حذف کرد.

با اعلام اسامی آثار منتخب هفتاد و ششمین جشنواره فیلم کن در مراسمی در شهر پاریس مشخص شد که سینمای حکومتی ایران در بخش رقابتی اصلی این دوره هیچ نماینده‌ای ندارد.

بقیه در صفحه ۱۱

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۰

در جشنواره امسال تعداد قابل توجهی کارگردان صاحب سبک و بازیگران سرشناس حضور دارند که تلفیقی از چهره های قدیمی و استعدادهای جوان است. در همین حال تعداد فیلمهای حاضر در جشنواره که توسط سینماگران زن ساخته شده، از دوره های گذشته بیشتر است. در بخش رقابتی اصلی ۱۹ فیلم شرکت دارند و سینماگران مطرحی مانند «وس اندرسون»، «کن لوچ»، «نانی مورتی»، «هیروکازو کورتیدا»، «نوری بیگلر جیلان»، «الیس رورواکر»، «تاد هیتس» و «ویم وندرس» برای دریافت نخل طلا رقابت می کنند.

در این دوره، سینمای رسمی ایران هیچ نماینده ای در بخش رقابتی اصلی ندارد و فیلم «ایات زمینی»، ساخته علی عسگری و علیرضا خاتمی، در بخش «نوعی نگاه» اکران خواهد شد.

گونگون

شیر سنگی قدغن



شاید بتوان مضحک ترین فرمان مقام عظمای وقاحت را در دستور عدم نصب مجسمه سنگی شیر بر مقبره ها دانست. حکومت که در وحشت روز افزون از انقلاب خلقهای به جان آمده، هر روز بیش از دیروز در پیله دفاعی فرو می رود، در فرمانی مضحک و خنده آور، نصب هر گونه شیر سنگی بر آرامگاهها را کرد. مقامهای جمهوری اسلامی در ادامه تلاش برای مبارزه و مقابله با رسوم و فرهنگ اقوام ایرانی، تراشیدن شیر سنگی و نصب آن بر آرامگاهها را در استانهای بختیاری نشین زاگرس ممنوع کرده اند. معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد هجدهم فروردین در جمع خبرنگاران رسانه ها گفت: «مدتی است که پیکره شیر برای نصب بر روی قبور ساخته و به مردم فروخته می شود، به سنگ فروشیها و سنگتراشیها اعلام می کنیم تا از هرگونه پیکرتراشی یا فروش و عرضه چنین پیکره هایی اجتناب کرده و سریعاً نسبت به جمع آوری آنها اقدام کنند.»

عیسی حسنی افزود: «امام جمعه یاسوج تاکید دارد که نصب پیکره شیر و حیوانات دیگر بر روی قبور یک بدعت است و هیچ مبنای دینی و شرعی و عرفی و قانونی ندارد و از آنجایی که این موضوع برخلاف رویه فرهنگ و آداب رسوم استان است، به سرعت با آن مقابله خواهد شد.»

(منابع: رادیو زمانه، جنگ خبر، رادیو فردا، صدای آمریکا)

میراث مسموم

م. وحیدی (م. صبح)

صدای سرگردان مجهول
کدام سرزمین را
آواز می دهد
و بر میراث
کدام تاریخ تهی
پندارهای زخمی اش را
به وسوسه می خواند؟
سالهای بی رنگ
هویت توست
که جز قایب از حسرت و
تشنگی نیست
تصویر کدام جان پاکی
که جانها را
به نجات می خوانی؟
سوره هایت
فصلهای شکفتن را
عقیم می کند
و حچم موریانه ای انگاره هایت
روح شمار مرگ بی گناهی ست
که لنگان و تلخ
از لحظه های پایانی خویش
می گذرند

بر نطفه الفباهایت
تابوتها
صف کشیده اند
و سنگواره های مقدس
هر صبح و شام
ضرب آهنگ احتضار زیبایی را
ترنم می کنند

آه!
بر دیباچه سیاه قصه ات
چه نوشته ای
که حواریون مسیح
رنج خویش را
در جهل خویش
ستایش می کنند

منظومه آیه هایت
گرداب رنج و انتحارست
و لبخندت
درحافظه آب

خزه می بندد
برگان بهاری
اینک
فصلی نو را
تلاوت می کنند

باران بلند شبانه

رحمان کریمی

آنکه را پای رفتن نیست
تکرار این وحشت شبانه را
چه حاصل؟
آنکه را توان دیدن نیست
خیره گی مضطرب چشمها را تا اعماق
چه سود؟
این روح من است
روح سرگردان تراز سرگردان من است
که در واژه یی از آنسوی این هول
به دیداری غمگنانه می گرید.

مگر این عبور را
احتمال توطئه یی نیست
که بدینگونه ناخرسند اما دلیر
سطر سطر خیابان را
تا پاسی از انفجار
تا باران
تکرار می کنم.

هیچ کس را غم این باران نیست
گیرم بیارد دیری.
هیچ کس باران بلند شبانه را
به خشکسالی تمام روز
تدبیری نیست.

من شانه به شانه نیستم، اما
شانه هایم می لرزد.
من سایه به سایه نیستم، اما
سایه ام باران است.
صدای خیس شبانه ام
در امتداد تهی
چه طنینی دارد.

با خود می گویم، با تو
ای همراه تر از گامهایم با من
با خود می گویم، با تو!
این بزرگان را غم بارانی نیست
کشت شان، کشت هزاران ساله است
بام شان، اندوده به صد اطمینان
این منم، این تو
با تنی خسته، فرومانده ز راه.
ورنه اینان،
به هر توطئه یی خرسندند
ورنه اینان،
سبکبالانتند!

این شعر در سال ۱۳۴۷ سروده شده و در سال ۱۳۴۸ در فصلنامه «فصل های سبز» به چاپ رسید که فصلنامه مذکور به علت داشتن مطالب انقلابی و ضد رژیم شاهی، از جمله از زنده یادان «امیر پرویز پویان» و «سعید سلطانپور» و... توسط ماموران و سانسورچیان در چاپخانه جمع آوری شد. این شماره که آخرین شماره «فصل های سبز» بود در اواخر سال ۵۷، سال انقلاب، باهمان مطالب انتشار یافت که شعر فوق هم در آن آمده است. دوستان بند دوم این شعر را نوعی پیشگوی ناخودآگاه مبنی بر ظهور خمینی در صحنه سیاسی ایران، تعبیر و تفسیر کردند. استاد آنها به سطر «... که در واژه یی در آنسوی این هول / به دیداری غمگنانه می گرید» است.

دانشگاه در ماهی که گذشت (فروردین ۱۴۰۲)

کامران عالمی نژاد

حمایت از دانشجویان تعلیق شده یا در معرض خطر تعلیق از شامگاه جمعه، ۱۸ فروردین، «توفان توئیتی» با هشتگهای «حق تحصیل» و «تعلیق ابزار سرکوب» راه خواهند انداخت.

بر اساس اعلام حساب «انجمن آزاداندیش علامه طباطبایی» در شبکه های اجتماعی از جمله توئیتر، تاکنون ۲۰۰ دانشجوی این دانشگاه تعلیق، ۹ دانشجو از تحصیل محروم شده اند و بیش از ۴۰ نفر هم چنان ممنوع ورود هستند. در همین حال انجمن اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز نیز اعلام کرده است که ۳۷ دانشجوی این دانشگاه پس از تجمع و پرفورمنس ۱۶ اسفند که در اعتراض به مسمومیت گسترده در مدارس دخترانه برگزار شده بود «به کمیته انضباطی احضار شده و در خطر تعلیق از دانشگاه و محرومیت طولانی مدت از حق تحصیل قرار گرفته اند.»

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت شدگان» بازداشت بیش از ۷۲۰ دانشجو در ماههای گذشته را تایید کرده است. همچنین گزارشهای متعددی از صدور احکام سنگین علیه شماری از دانشجویان منتشر شده است.

تداوم تعلیق عضو هیات علمی دانشگاه حکیم سبزواری



حسن باقری نیا عضو هیات علمی دانشگاه حکیم سبزواری که پیش تر به حالت تعلیق و از ورود به دانشگاه منع شده بودند، با وجود صدور قرار موقوفی تعقیب و محتومه شدن پرونده ایشان در هیات انتظامی و دادگاه انقلاب مشهد، همچنان توسط ریاست دانشگاه حکیم سبزواری در حالت تعلیق هستند و واحدهای درسی مربوطه به ایشان ارائه نشده است.

تجمع دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی



با

ناپدید شدن یک دانشجوی تبعه جمهوری آذربایجان در ایران

یک دانشجوی تبعه جمهوری آذربایجان در آلمان که برای دیدن دوست دخترش به ایران سفر کرده بود، ناپدید شده است. بخش آذربایجانی صدای آمریکا از قول مادر فرید صفرلی که برای گرفتن اطلاعات درباره فرزندش به ایران سفر کرده است، گزارش داده که مقامات ایران از دادن اطلاعات در زمینه ناپدید شدن فرزندش خودداری می کنند. آقای صفرلی ابتدای اسفند سال پیش به ایران سفر کرد و ارتباط او با خانواده اش از اواسط همان ماه قطع شد. روابط جمهوری آذربایجان و حکومت ایران طی ماههای گذشته به شدت تنش لود شده است.

تهدید دانشجویان به عدم ارائه خدمات



روز بکشنبه ۱۳ فروردین، دو وزارتخانه علوم و بهداشت در اطلاعیه هایی تاکید کردند که دانشگاهها از این پس به «دانشجویان بی حجاب» هیچ گونه خدمات آموزشی، رفاهی، خوابگاهی ارائه نخواهند کرد.

همزمان مرتضی آقائهرانی، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، با تاکید بر تشدید برخورد با زنانی که حجاب اجباری را رعایت نمی کنند، گفت: «محمدباقر قالیباف قول داده که لایحه دولت با قوه قضائیه درباره حجاب را هفتاد ساعت» در مجلس تصویب کند.

در این اطلاعیه آمده است: که از این پس «همه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تحت نظر وزارت علوم از ارائه خدمات آموزشی، رفاهی و غیره» به دانشجویانی که «شئونات دانشجویی و حجاب» را رعایت نکنند، «معذور» هستند.

همزمان عباس شیروازن، معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، نیز در آستانه بازگشایی دانشگاهها در سال جدید، گفت که دانشگاههای علوم پزشکی سراسر کشور از ارائه هرگونه خدمات به «دانشجویان فاقد حجاب اسلامی» منع شدند.

ابلاغیه تهدیدآمیز به اساتید درباره حجاب اجباری

در ادامه سختگیریهای حکومتی برای اعمال حجاب اجباری، اداره کل حراست دانشگاه آزاد اسلامی در ابلاغیه ای، از اساتدان خواست پدیده «کشف حجاب» در کلاس درسهای خود را به طور «جدی»، مدیریت کنند. در این ابلاغیه به اساتدان هشدار داده شده که مسئولیت حضور بدون حجاب دانشجویان در کلاسها، با آنها است.

در واکنش به این ابلاغیه روز پنجشنبه ۱۷ فروردین، محسن برهانی، حقوقدان، از اینکه «دانشگاه آزاد با زبان تهدید، اساتید را ملزم به تذکر دادن در خصوص حجاب دانشجویان کرده»، انتقاد کرد.

او در توئیتی نوشته: «جنگ استاد و دانشجو؟! ما استادیم نه آجان و گزمه و داروغه. با تخریب رابطه معلمی، در نهایت علم است که به فنا می رود.» آقای برهانی در عین حال، این دستور دانشگاه آزاد را «تکلیف سازی» توصیف کرد که «نه قانونی است، نه شرعی و نه عاقلانه».

دعوت به توفان توئیتی در حمایت از دانشجویان تعلیق شده

دانشجویان دانشگاههای مختلف ایران قرار است با راه اندازی کارزار توئیتی خواستار رفع تعلیق دانشجویان معترض شوند. تاکنون دانشجویان چند دانشگاه از جمله علامه طباطبایی در تهران و علوم پزشکی تبریز اعلام کرده اند که در

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲

حکومت نیست، «حاکمی از نادانی و ناآگاهی از الفبای حکمرانی و حکمرانی آموزشی و اصول بنیادین شهروندی و اسناد حقوق بشری است که ایران نیز آنها را پذیرفته و تبدیل به قوانین ملی و داخلی شده است.»

بیژن عبدالکریمی که در نشست «دینداری و دین‌گریزی در ایران امروز» سخنرانی می‌کرد، گفت که نه تنها در فضاهای روشنفکری بلکه در «تک تک خانه های ما شک جان گرفته» و مناسبات اخلاقی و خانوادگی، روابط جنسی و روابط اجتماعی تغییر یافته است.

او تأکید کرد که جامعه ایرانی در حال «یک پوست اندازی عمیق تاریخی» و فاصله‌گیری از «میراث تاریخی، اسلام و تشیع» است و به «عقلانیت جدید، سکولاریسم و نهیلیسم حاصل از آن» روی آورده است.

این استاد فلسفه در پایان یادآور شد که «بدترین خطا» برخورد پلیسی امنیتی با این شکاف تمدنی است و تصریح کرد: «چقدر زشت است کسانی بخواهند به زور شمشیر و ترس، دین را ترویج دهند.»

گزارشی از حمله شمیایی به خوابگاه ۱۳ آبان دانشگاه تهران



حوالی ساعت ۲ بامداد روز سه شنبه ۲۲ فروردین بود که استشمام بوی نامطبوع دانشجویان را به حیاط خوابگاه کشانده بود. علاوه بر بوی نامطبوع مشاهده دود در طبقه اول، دانشجویان را نسبت به وضعیت حساس تر کرده بود. در حالی که در حیاط خوابگاه نیز تاحدی بوی نامطبوع استشمام می شد اما به شدت بو داخل ساختمان نبود. بعد از گذشت چند دقیقه سوزش چشم و گلو درد و سرفه و به تبع احساس تنگی نفس در چند نفر از دانشجویان شروع شد. با گذشت حدود نیم ساعت از این اتفاق بود که آقای شهپازی (سرپرست خوابگاه های سطح شهر) برای بررسی وضعیت وارد خوابگاه شد. و سپس خانمی که مسئول حراست بود وارد خوابگاه شد و در بدو ورود گوشی خود را به دانشجویان نشان داد که عکس سطل رنگ بود و اذعان داشت که بویی که می آید ناشی از رنگ آمیزی خطوط خیابانهای اطراف است.

در این وضعیت که دو نفر از دانشجویان حالت تهوع داشتند و با اورژانس تماس گرفته بودند نه تنها اجازه خروج دانشجویان از خوابگاه برای رفتن نزد آمبولانس دم در داده نشد بلکه حتی اجازه داخل شدن فوریتهای پزشکی اورژانس نیز داده نشد تا اینکه با اصرار یکی از آنها وارد خوابگاه شد. و اجازه داده شد دانشجویان از خوابگاه خارج شوند.

۴۳۵ دانشجوی حکم تعلیق یا اخراج گرفته اند



روز سه شنبه ۲۲ فروردین، کانال تلگرامی شوراهای صنفی دانشجویان کشور از حکم تعلیق یا اخراج بیش از ۴۳۵ دانشجو در رابطه با اعتراضات سراسری اخیر ایران خبر داد. این شورا در بیانیه ای گفته است که این دانشجویان، طی روندی «غیرقانونی، فرمایشی و امنیتی» این احکام را دریافت کرده اند.

بقیه در صفحه ۱۴

بازگشت دانشجویان به دانشگاهها، تذکر و تهدید حراست در خصوص رعایت حجاب گسترده تر شده است. بنا بر اخبار واصله در دانشگاه بهشتی پس از جمع آوری میز و صندلی کتابخانه دانشگاه و محروم کردن دانشجویان از فضای مطالعه مشترک، این بار حراست دانشگاه در اقدامی عجیب به دانشجویان دختری که شال بر سر داشته اند تذکر داده و مقنعه هدیه می دهد! همچنین گفته می شود حراست مانع از حضور دانشجویان در آلاچیقهای دانشگاه شده است.

دانشجویان با وجود فشار و سرکوب مداوم حراست، روز شنبه ۱۹ فروردین تجمع کردند و شعار «نه روسری نه توستری، آزادی و برابری» سر دادند.

حمله به دفتر انجمن آزاداندیش دانشگاه علامه طباطبایی

روز یکشنبه ۲۰ فروردین، ماموران حراست دانشگاه علامه طباطبایی تهران به دفتر انجمن آزاداندیش این دانشگاه حمله کردند. بر پایه این گزارش ماموران یک دانشجو به نام محمد موسوی را ضرب و شتم و با لگد از دانشکده علوم اجتماعی بیرون انداختند. در ادامه، ماموران حراست دفتر انجمن را به هم ریخته و محتوای بردهای انجمن در طبقات دانشکده را دور انداختند و یکی از دانشجویان دختر را که در حال فیلمبرداری از پورش ماموران بود در اتاق حبس و به او فحاشی کردند. انجمن دانشجویان آزاداندیش پیش از این از تعلیق حداقل ۲۰۰ دانشجو در این دانشگاه خبر داده و نوشته بود، کماکان بیش از ۴۰۰ دانشجو ممنوع ورود هستند و ۹ دانشجو نیز محروم از تحصیل شده اند. دانشگاه علامه طباطبایی در اعتراضات ۱۴۰۱ که به قیام «ژینا» شهره شد یکی از کانونهای اعتراضات دانشجویی بود.

مقابله روحانیت با «سوژه مدرن» با یک سطل ماست

بیژن عبدالکریمی، مدرس فلسفه در ایران، با انتقاد از نحوه عملکرد روحانیت شیعه در ایران گفت که این نهاد دینی می خواهد با یک «سطل ماست» با «سوژه مدرن» مقابله کند. در شرایطی که به باور این مدرس فلسفه، جامعه ایران در حال فاصله گیری از «اسلام و تشیع» است. این استاد فلسفه دانشگاه روز یکشنبه ۲۰ فروردین با اشاره به نحوه برخورد «آتش به اختیاری» با زنانی که حجاب اجباری را از سر برداشته اند، عنوان کرد که روحانیت ایران دچار یک «تأخر تاریخی» است و «سوژه مدرن» را درک نکرده است، به همین دلیل است که روحانیت می خواهد «با سطل ماست با این سوژه» رو به رو شود. او تصریح کرد که روحانیت شیعه در ایران بر آن است تا «با تازیانه و خلاصه کردن متولی امر معروف و نهی از منکر در یک نهاد، با یک رویداد تاریخی» مانند مقاومت مدنی معترضان در برابر حجاب اجباری مقابله کند.

تجمع دانشجویان دانشگاه هنر تهران

بر اساس تصاویر منتشر شده در شبکه های اجتماعی در روز یکشنبه ۲۰ فروردین، در پی تهدید و سرکوب دانشجویان دانشگاه هنر تهران به بهانه حجاب اجباری، دانشجویان مقابل سردر این دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

گزارشها حاکی است که حراست دانشگاه هنر از صبح یکشنبه از ورود دانشجویان دختر که حجاب اجباری ندارند، به دانشگاه جلوگیری و کارت دانشجویی آنها را ضبط کرده است.

سختگیریهایی برای اعمال حجاب اجباری پس از آن صورت می گیرد که وزارت علوم روز ۱۳ فروردین، در آستانه بازگشایی دانشگاهها در سال ۱۴۰۲، تهدید کرد دانشجویانی که تن به حجاب اجباری ندهند از خدمات در کلیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تحت نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری محروم خواهند شد.

واکنش حقوقدانانها و اساتید به سرکوبهای حکومتی

توسل حکومت به این تهدیدها و محرومیتها در شرایطی است که به گفته حقوقدانان، چنین اقداماتی غیرقانونی بوده و سلب آزادیهای شهروندان به شمار می رود.

در همین زمینه، روز یکشنبه ۲۰ فروردین، یک عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی نیز به مناقشه تهدیدهای اخیر مبنی بر قطع خدمات عمومی آموزشی و بهداشتی و حمل و نقل و بانکداری واکنش نشان داد.

دکتر محمدحسین زارعی در یادداشتی تأکید کرده که اساساً صدور چنین اطلاعیه ای در حوزه صلاحیت و وظایف وزارت علوم نیست. این حقوقدان و مقام دانشگاهی تأکید کرد عدم ارائه خدمات به کسانی که پوشش آنها دلخواه

دانشگاه در ماهی که گذشت

اعتراض دانشجویان به ساعت ورود و خروج

روز جمعه ۲۵ فروردین، دانشجویان خوابگاه دخترانه‌ی حضرت معصومه دانشگاه شهید چمران اهواز در تجمعی نسبت به کنترل ساعت ورود و خروج اعتراض کردند.

در پی این اعتراض نه تنها هیچ پاسخی از طرف مسئولان به دانشجویان داده نشد، بلکه دانشجویان مورد تهدید شدید مسئولان خوابگاه و حراست قرار گرفتند.

انتقال زهرا رحیمی به بیمارستان

یکشنبه شب ۲۰ فروردین، مسئول خوابگاه مانع از خروج زهرا رحیمی از خوابگاه به بهانه پوشش نامناسب او می شود. بر اساس گفته زهرا رحیمی، او و دوستانش جلوی درب خوابگاه می نشینند تا یکی از دوستانش برای خروج او از خوابگاه چادر بیاورد. در نهایت این دانشجو با چادر از خوابگاه خارج می شود.

اما فردای آن شب برای او پیامکی مبنی بر عدم رعایت قوانین پوشش ارسال می گردد و از او خواسته می شود تا ظرف

۲۴ ساعت به کمیته صیانت از پوشش مراجعه کند، در غیر این صورت تهدید می شود تا تمامی خدمات آموزشی و رفاهی او تعلیق شوند. این اتفاق در حالی است که بر اساس شیوه نامه انضباطی، هیچ نهادی جز کمیته انضباطی حق محروم کردن دانشجو از امکانات دانشگاهی را ندارد.



اعتراض دانشجویان به سیاست‌های کنترل پوشش، سلب حق

تحصیل و مسمومیت‌سازی سریالی دانش‌آموزان

روز یکشنبه ۲۷ فروردین دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، در پی ممانعت حراست از ورود برخی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی به دلیل تخطی از حجاب اجباری، احکام اخیر کمیته انضباطی و همچنین برگزاری «کمیته های اخلاقی» غیرقانونی در حوزه ریاست این دانشکده، تجمع اعتراضی برگزار کردند. این دانشجویان همچنین به تداوم مسمومیت‌های عمدی دانش آموزان نیز اعتراض کردند. دانشجویان در این تجمع شعار می دادند:

- «زن زندگی آزادی»
- «قسم به خون یاران / ایستاده‌ایم تا پایان»
- «نافرمانی کنش‌گری / پیکار تا برابری»
- «نه روسری نه توسری / آزادی و برابری»
- «با احضار و کمیته / حجاب اجباری نمی‌شه»
- «حکومت دروغگو / حق تحصیلمون کو»
- «دانش آموزا مسموم / معلما تو زندون / احجاب شده گیرشون»
- «رهایبی حق ماست / ژینا اسم رمز ماست»
- «مهسای ما نیکای ما / ندای آزادی ما»
- «هیز تویی هرزه تویی / زن آزاده منم»
- «پیش به سوی زندگی / زنانگی، تنانگی»
- «رهایبی حق ماست / قدرت ما جمع ماست»

تحصن دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی



دانشجویان
دانشکده
روان‌شناسی و
علوم
تربیتی
دانشگاه
تهران
روز یکشنبه ۲۷
فروردین، به
پرخوردهای

قهرآمیز حراست در باب مساله پوشش دانشجویان و احکام سنگین کمیته انضباطی و ایجاد فضای رعب و وحشت تحصن اعتراضی برگزار کردند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: ایران گلوبال، رادیو فردا، رادیو زمانه، کانال تلگرام شورای صنفی دانشجویان کشور، کانال تلگرام انجمن دانشجویان آزاد اندیش دانشگاه علامه طباطبایی تهران، خبرگزاری ایلنا)

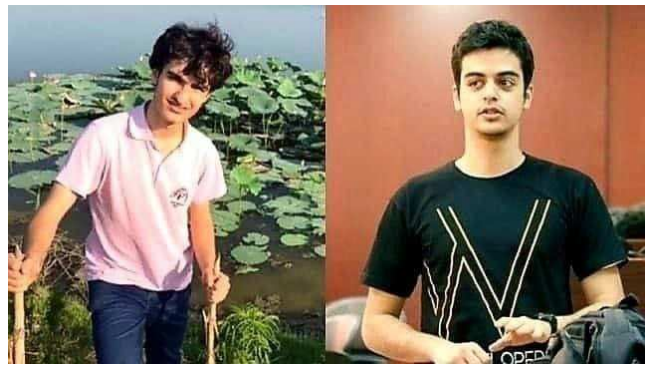
بقیه از صفحه ۱۳
شوراهای صنفی دانشجویان تأکید کرده که گزارش ۴۳۵ تن از دانشجویان محکوم شده در کمیته انضباطی به دست شان رسیده و این «بخشی از احکام صادره در کمیته های انضباطی دانشگاههای سراسر کشور» است.

این رسانه دانشجویی در روز دوشنبه ۲۱ فروردین از حکم تعلیق یک یا دو ترمی دستکم ۱۶ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی تبریز به دلیل اعتراض به «مسمومیت‌های گسترده در مدارس» خبر داده بود.

امید زهدی، دبیر شورای صنفی دانشکده دندانپزشکی علوم پزشکی تبریز، نیز به اتهام «شرکت در بلوا و آشوب» به یک ترم منع از تحصیل محکوم شده است.

شوراهای صنفی دانشجویان از حضور نیروهای لباس شخصی در پردیس باغ ملی دانشگاه هنر تهران خبر داد و نوشت لیست جدیدی از دانشجویان «ممنوع ورود» در دست حراست دانشگاه است و علت ممنوعیت ورود آنها مشخص نشده است.

نامه امیرحسین مرادی و علی یونسی از زندان



امیرحسین مرادی و علی یونسی در سومین سال زندانی شدن شان نامه ای به قرار زیر منتشر کرده اند. متن این نامه چنین است:

«۲۲ فروردین ۹۹ همراه با ضرب و شتم شدید دستگیر و به بند ۲۰۹ منتقل شدیم. جمعا بیش از ۲ سال را در سلولهای انفرادی و سلولهای در بسته سر کردیم و در سومین سال به بند عمومی زندان اوین منتقل شدیم.

در این ۳ سال مسیری پر حادثه را پشت سر گذاشتیم. آن روزهای سخت پس از دستگیری هنگامی که در ابتدای جوانی از کلاس درس دانشگاه به سلولهای انفرادی منتقل شده بودیم، از خود می پرسیدیم که این دیوارهای سنگی که بیش از ۵۰ سال از بنا شدن آنها می گذرد شاهد درد و رنج و شکنجه های چه کسانی بوده اند؟ این دیوارها در دل خود میزبان انسانهای عاشقی بودند که برای آزادی ایران به استقبال سختیها رفتند و با ایستادگی شان اوین را تبدیل به نمادی مشترک از سرکوب در دو دیکتاتوری کردند.

در میانه شکنجه و فشار و تهدید به اعدام، ما خود را قطره ای از رود خروشان می دیدیم که تلاش می کند سدی به نام دیکتاتوری را که بر سر راه تاریخ ایران قرار دارد بشکند و به دشت زیبای آزادی برسد.

در دل آن روزهای سخت، حمایتهای شما مردم عزیز ایران پشتوانه و تکیه‌گاه ما شد. حمایت‌هایی که سدی محکم میان ما و چوبه دار شد، سدی که گذر زمان در آن اثری نکرد تا ما تمام زندگی مان را مدیون شما باشیم و این افتخاری است بزرگ برای ما، امید داریم و در تلاشم شایسته این حمایت‌های بی دریغ باشیم.

ما در آغوش مهر و حمایت‌های شما هموطنان از بسیاری از خطرات در امان ماندیم تا بیش از پیش خود را مدیون شما بدانیم و با خود عهد می کنیم تا آن روز که آزادی ایران را در کنار هم جشن بگیریم دغدغه آزادی خود را نداشته باشیم و لحظه به لحظه یاد آن کودکانی هستیم که بارها برای کسب عناوین علمی از ما شایسته ترند اما فقر و تبعیض فرصت را از آنها گرفته است.

ما نیز مانند تمام جوانانی که در خیابانها کشته شدند آرزویی جز آزادی ایران نداریم و در برابر آنها مقاومت در زندان وظیفه ای است کوچک بر دوش ما.

ما در پس رنجها و سختیهای این سالیان به فرارسیدن لحظه های شادی حقیقی، به طلوع صبح زیبای آزادی و به تحقق ایران آزاد یقین داریم.

دوستدار شما امیرحسین و علی / فروردین ۱۴۰۲»

زنان در مسیر رهایی (فروردین ۱۴۰۲)

اسد طاهری

تحریم اردوی المپیک توسط زنان فوتبالیست

بازداشت ۵ زن آزادیخواه در ازمیر



همزمان با آغاز دور دوم اردوی تیم ملی فوتبال زنان برای حضور در المپیک در تاریخ شنبه ۵ فروردین، عدم حضور ۱۴ بازیکن در این اردو، خیرساز شد و برگزاری اردو را تحت تاثیر قرار داد.

شرایط نامناسب اردو و کمبود امکانات، پرداخت نشدن پاداش صعود به جام ملت‌های آسیا، تهیه نکردن بلیط برای ملی پوشان جهت حضور در اردوهای تیم ملی از دلایل اصلی غیبت برخی از ملی پوشان تیم فوتبال زنان بوده است. پس از اعتراض این تیم، قول داده شده که برای حضور آنها در اردو بلیط تهیه می شود. این وعده فدراسیون در شرایطی داده شده است که در ایام نوروز با توجه به حجم بالای مسافرت‌های نوروزی عملاً امکان تهیه بلیط هواپیما برای حضور زنان فوتبالیست در تیم ملی امکانپذیر نیست.

ایدیل اوغورلو، عضو شورای اجرایی مرکزی حزب دموکراتیک خلقها، بهیه یالچین (مادر صلح)، سلما دمیر، حیات ایزگی و نوروز چلیک که در ۲ فروردین و در جریان عملیات نسل کشی سیاسی در ازمیر بازداشت شده بودند، پس از ادای شهادت به دادستانی معرفی شدند. دادستانی بدون اخذ اظهارات، با درخواست بازداشت به دادگاه نظامی و کیفری، این ۵ زن را تنها با بهانه «عضویت در سازمان» و شهادت «علنی و پنهانی» شهود، بازداشت کرد. مشارکت زنان دستگیر شده در فعالیتهای انجام شده توسط حزب دموکراتیک خلقها و جنبش زنان آزاد در قوانین ثبت نشدهی دولت ترکیه جرم تلقی می شود.

زنان سیاه پوست فرصتهای شغلی کمتری دریافت می کنند

تظاهرات زنان افغانستان علیه طالبان



روز یکشنبه ۶ فروردین، زنان معترض در کابل به خیابان آمده و علیه طالبان و سیاستهای زن ستیز آنها اعتراض کردند. این زنان و فعالان حقوق زن با در دست داشتن پلاکاردهایی مبنی بر حق آموزش و کار زنان خواستار برداشتن این محدودیتها شدند. گفته شده است نیروهای طالبان با اعمال خشونت به معترضان، اعتراضات مسالمت آمیز آنان را بر هم زده است. شایان ذکر است بیش از یک سال است زنان و فعالان حقوق زن در افغانستان علیه محدودیتهای اعمال شده بر زنان توسط طالبان اعتراضات خیابانی برگزار می کنند و هر بار این اعتراضات با خشونت نیروهای طالبان مواجه شده و بدون توجه به خواسته های زنان، آنها را سرکوب می کنند.

تداوم پلمپ کافه ها و مغازه ها

بعد از انتشار تصویری از حمله یک بسیجی به دو زن در مغازه لبنیاتی که گفته می شود مداح حکومتی و مسئول ستاد اقامه نماز شانویز مشهد است، شب گذشته این مغازه توسط نیروهای حکومتی پلمپ شد. این مغازه به دلیل دفاع صاحب آن، از دو زن و ضرب و شتم فرد بسیجی و همچنین انتشار فیلم پلمپ شده است. یک روز بعد از انتشار ویدیویی از حمله این بسیجی به دو زن، این دو زن که نسبت مادر و دختر با هم دارند بازداشت شدند. حکم جلب برای این دو زن به اتهام «ارتکاب فعل حرام به لحاظ تظاهر به کشف حجاب» صادر شده است.

بقیه در صفحه ۱۶

اکثریت زنان سیاه پوست به دلیل تبعیض و کالایی شدن زنان در نظام سرمایه داری در یافتن مشاغل مناسب با مشکلاتی روبرو هستند و مجبور به تغییر ظاهر خود برای به دست آوردن شغل می شوند.

بخش بزرگی از زنان سیاه پوست که در یک پژوهش مشارکت یافته اند، می گویند که احساس می کنند باید مدل موی خود را تغییر دهند تا در شغلها و موقعیتهای حرفه ای مناسب به کار گرفته شوند.

ناهمگونی در تجارب محل کار به طور قابل توجهی بر نحوه برخورد کارگران با شغل خود تاثیر می گذارد، مثبت یا منفی. این تجربیات توانایی فرد را برای اعتماد به دیگران و ایجاد تیمهای سازنده تر و موثرتر تشکیل می دهد. برای کارکنان، احساس می کنند که یک عضو ارزشمند تیم هستند و معتقدند که سرپرست آنها فراهم کرده است. آنها با یک محیط قابل اعتماد کار را ترویج می کنند.

حدود ۱۰۰۰ زن سیاه پوست ۲۵ تا ۶۴ ساله، هم کارمند پاره وقت و هم تمام وقت، در این مطالعه مشارکت یافته اند.

حدود ۶۶ درصد از زنان مورد بررسی گزارش کرده اند که موهای خود را برای مصاحبه شغلی تغییر داده اند، ۲۵ درصد معتقدند که به دلیل ویژگیهای صورت و موهای خود برای مصاحبه شغلی رد شده اند و حدود ۲۵ درصد که سن آنها بین ۲۵ تا ۳۴ است، گفته اند که به دلیل موهای شان اخراج شده اند.

نظرسنجی انجام شده توسط مرکز گالوپ برای صداهای سیاه بین ۶ نوامبر و ۱ دسامبر ۲۰۲۰، نشان داد که زنان سیاه پوست کمتر احساس می کنند که در محل کار با احترام رفتار می شود و کمتر احساس می کنند که منصفانه به عنوان عضوی ارزشمند تیم و همکاران با آنها رفتار می شود.

مرکز گالوپ برای صدای سیاهپوستان دریافته است که تنها ۱۳ درصد از زنان سیاه پوست فکر می کنند که به مشاغل خوب در جامعه خود دسترسی دارند و فقط بیش از یک سوم می گویند که با درآمد فعلی خود به راحتی زندگی می کنند.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۵



ائتلاف مدافع زنان میانمار را با دیگر مدافعان حقوق بشر زنان در ماه مه ۲۰۲۱ برای توانمند سازی و حمایت از نقش زنان تشکیل داد.

در بیانیه مشترک ۸ مارس این ائتلاف آمده است که سربازان حکومت نظامی از زمان آغاز کودتا در دو سال پیش به بیش از ۱۲۲ زن تجاوز کرده اند بیش از ۳۱۲۵ زن بازداشت شدند که ۱۵ نفر از آنها به حبس ابد و ۱۱ نفر دیگر با مجازات اعدام محکوم شدند.

زنان میانماری در دو سال گذشته بدون ترس در برابر حکومت ظالمانه جونا مقاومت کرده اند. زنان در خط مقدم انقلاب قرار دارند، بنابراین دولت از قدرت و اراده زنان می ترسد و آنها را در اشکال مختلف خشونت هدف قرار داده و هزاران زن را بازداشت کرده است.

انجمن کمک به زندانیان سیاسی مستقر در تایلند در ماه فوریه با شواهدی اعلام کردند: زمان کودتای فوریه ۲۰۲۱، بیش از ۴ هزار زن بازداشت شده‌اند. این سازمان گفت که تعداد زنان کشته شده در درگیریهای کشور نزدیک به ۴۰۰ نفر است که برخی از آنها در عملیات نظامی کشته یا زنده زنده سوزانده شدند.

اعتراض اعضای کتابخانه ملی به تعلیق عضویت زنان به بهانه حجاب اجباری



جمعی از اعضا عضو کتابخانه ملی در اعتراض به دستور کتابخانه ملی به تعلیق عضویت برخی اعضا به بهانه «حجاب اجباری» اعتراض کردند و پلاکاردهایی را در دست گرفتند.

در این حرکت اعتراضی که روز پنجشنبه ۱۷ فروردین انجام شد، اعضای تحصن کننده در محوطه کتابخانه، شعارهایی نظیر «هر چه نفر تعلیق شه، هزار نفر پشتشه»، «زن و مرد کنار هم علیه حجاب اجباری» و «زهایی حق ماست، قدرت ما جمع ماست» را در دستان شان داشتند. همچنین برخی از اعضای مرد نیز در همبستگی با زنان روسری سر کرده و در آخر روسریها را در حوض پرتاب کردند.

لازم به ذکر است که چندی پیش ۹۰۰ تن از اعضای کتابخانه ملی نامه ای در اعتراض به تعلیق عضویت برخی اعضا به علت حجاب برای ریاست کتابخانه فرستادند اما تاکنون نه تنها پاسخی از دریافت نکرده اند، بلکه تعدادی دیگر از اعضا نیز تعلیق شدند.

دستگیری فعال فمینیستی «زینب زمان» توسط نیروهای اطلاعات سپاه

شنبه ۱۹ فروردین، زینب زمان، فعال فمینیست، پس از مراجعه به اطلاعات سپاه در نیایش تهران بازداشت شد. زینب زمان پس از بازداشت به مکان نامعلومی منتقل شده است. همسر زینب زمان اعلام کرده که ماموران اطلاعات سپاه در تاریخ سه شنبه ۱۵ فروردین با وی تماس گرفته و از او خواسته بودند که روز شنبه به این نهاد اطلاعاتی مراجعه کند. پس از بازداشت، ماموران به محل سکونت این فعال رفته و آنجا را نیز مورد تفتیش قرار دادند.

بقیه در صفحه ۱۷



در ادامه پلمپ اماکن مختلف به بهانه های واهی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر شهرستان آبادان اعلام کرد که کافه رستوران لاوریل، کافه رستوران سی یل و غرفه ای در باغ مقیطیه، به علت برگزاری مراسمهای مختلف، رقص و موسیقی زنده پلمپ و تعطیل شده اند.

همچنین طبق گفته های مهدی آماده دادستان عمومی و انقلاب شهرستان دزفول، یک مجموعه تفریحی و گردشگری این شهر به دلیل پذیرش افراد مخالف حجاب اجباری پلمپ شد و در خصوص فیلم منتشر شده چند روز اخیر برخی از گردشگران در این شهر، یک نفر بازداشت و برای دیگر افراد اقدامات لازم انجام خواهد شد.

مانعت از ورود زنان بدون حجاب اجباری به طاق بستان



هم زمان با آغاز تعطیلات نوروزی، برخوردهای خشونت آمیز در شهرهای مختلف با زنانی که از رعایت حجاب اجباری سر باز می زدند، افزایش یافت و عاملان این برخوردها که گاهی نیز فیزیکی بوده است، نیروهای آتش به اختیار جمهوری اسلامی با نامهای متعددی از جمله «نیروی انتظامی، حراست، نیروهای امر به معروف و نهی از منکر، بسیج و...» هستند.

براساس ویدیوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی مأموران حراست در محوطه تاریخی طاق بستان کرمانشاه، از ورود زنان بدون حجاب اجباری به محوطه این اثر باستانی جلوگیری کرده و به آنان می گویند که بدون داشتن روسری اجازه ورود به این محوطه را ندارند.

زنان مورد تجاوز و خشونت نیروهای میانمار قرار می گیرند

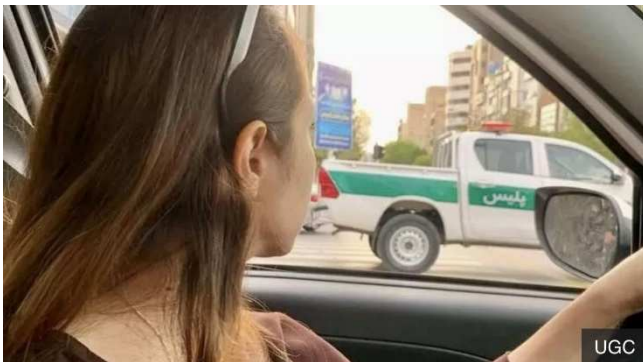
دولت میانمار از تجاوز و خشونت علیه زنان به عنوان بخش بزرگی از فعالیتهای خود برای سرکوب گروههای مخالف استفاده می کند و به دنبال تخریب اراده زنان است. مای سابه فیو، یک فعال زن در میانمار تظاهرات زنان را در جنبش اعتراضی ضد کودتا سازماندهی کرد. او در آوریل ۲۰۲۱ بعد از تهدید از میانمار گریخت و سپس

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۶



زنان ایرانی همچنان حجاب اجباری را به چالش می کشند



زینب زمان، دختر «حسین زمان»، خواننده شناخته شده ایرانی است که پیش از این توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی احضار و بازجویی شده است. او از اولین زنانی بود که پس از قتل حکومتی ژینا امینی، اقدام به تراشیدن موهای خود کرده بود و این عمل باعث شد که اقدام او به نماد فعالیتهای فمینیستی در ایران تبدیل شود.

زن ستیزی؛ آتش زدن مدرسه دخترانه در زابل

روز شنبه ۲۶ فروردین، در ایران در اولین روز شروع دور تازه سختگیریها برای اعمال حجاب اجباری، با عنوان «طرح حجاب و عفاف»، گروههایی از دختران و زنان بدون داشتن پوشش مورد نظر حکومت به خیابانها آمدند. در فیلمهایی ویدیویی منتشر شده، زنان نیروهای انتظامی را به چالش دعوت می کنند.

احمدرضا رادان، سرکرده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، پیش تر هشدار داده بود؛ از روز شنبه ۲۶ فروردین، افرادی که در معابر عمومی، خودرو و یا در اماکن تجاری اقدام به کشف حجاب کنند با اسناد و مدارک به محاکم قضایی معرفی می شوند.

این تهدید پیش تر تمسخر و خشم معترضان به حکومت را برانگیخته بود و فراخوانهایی هم برای حضور زنان بدون روسری در مکانهای عمومی منتشر شد.



(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: بی بی سی، ژنها)

بر اساس اخبار منتشره و به نقل از منابع محلی مطلع در افغانستان، شامگاه روز سه شنبه ۲۲ فروردین ماه، در روستای شوخک شهرستان شهر صفای استان زابل، یک مدرسه دخترانه توسط افراد ناشناس به آتش کشیده شد. گفته می شود که در پی به آتش کشیده شدن این مدرسه، تمام اسناد اداری و کتابهای موجود در آن نیز در آتش سوخته است.

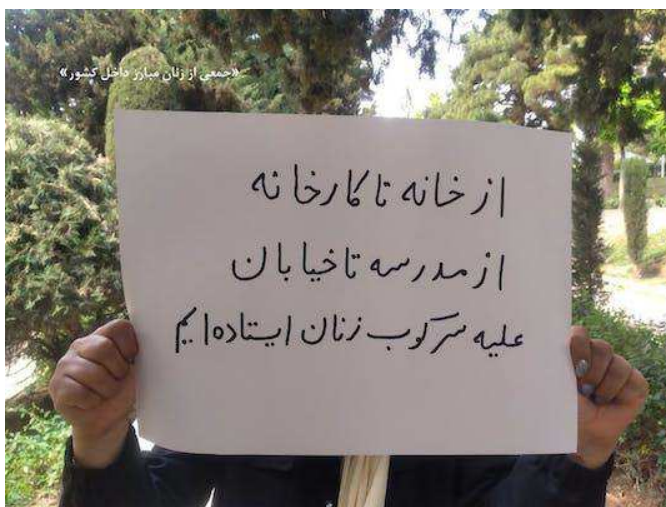
بر طبق اخبار موجود، چند روز پیش نیز ساختمان یک مدرسه در ولسوالی اند خوی شهرستان فاریاب توسط افراد ناشناس آتش زده شده است. طالبان تا کنون در این زمینه اظهاری نداشته است.

آتش زدن مدارس دخترانه، اقدامی دیگر از سوی افرادی با افکار طالبانی برای محدود کردن بیشتر زنان و حذف کامل زنان از جامعه است.

پلمپ باشگاه ورزشی در رشت به دلیل عدم رعایت «حجاب اجباری»
روز پنجشنبه ۲۴ فروردین، اداره ورزش و جوانان گیلان اعلام کرد که یکی از باشگاههای معروف آموزش رشته های رزمی و ابروییک در استان گیلان به دلیل رعایت نکردن «حجاب اجباری» پلمب شده است.

اداره ورزش و جوانان گیلان اعلام کرد که باشگاه پلمپ شده یکی از باشگاههای معروف آموزش رشته های رزمی و ابروییک در استان گیلان بوده که به دلیل رعایت نکردن «حجاب اجباری» توسط آنچه تیم بازرسی «عفاف و حجاب» نامیده شده کشف شده و در نهایت محل این باشگاه از سوی اداره اماکن پلمب شده است.

علت پلمپ باشگاه ورزشی در رشت، «عدم رعایت شئون اسلامی از سوی ورزشکاران و مراجعه کنندگان آن» اعلام شده است.



ایده

م. روستا

ای مؤذن باز پیر کن تن هر برگ را
 اشهد آن بخوان حالا اذان مرگ را
 اشهد آن له بخوان حالا اذان مرگ را
 خسته ایم از رد خون بر حلقه زنجیرها
 مرگ بر تاریخ خونین و مرگ بر شمشیرها
 عهد کردم با تمام رنجها، شادی کنم
 گیسوان خواهرم را نذر آزادی کنم
 در دلت دنیا کماکان غیرت و انگیزه هست؟
 نام تو بر شیرهای سنگیت در ایده هست؟
 خواهرم، شادی برایت ارمغان آورده ام
 من کیانم، خواهرم رنگین کمان آورده ام
 من که شهرم کل عمرش خون دلها خورده بود
 نعش حامد را بدستان شما نسپرده بود
 مقصد آزادیست اما راه ما باریکتر
 روزها شب بود، حالا روزها تاریکتر
 روی لبها داغ حسرت مانده از لبخندها
 مادران ماندند و قبرستانی گورستانی از فرزندها
 در گلو جان می سپارد نعره و فریادها
 باغبان افتاده بر حیثیت شمشادها
 گرچه در ظاهر جوانیم از درون پیریم که
 هر چه ما را می کشید اما نمی میریم که
 باد می آمد ولی هر خانه ای یک بید داشت
 خون بدامانش رسیده، هر کسی تردید داشت
 با تمام صبر و خوبیهایمان، بد می شویم
 ما تقاص بی کسیهای محمد می شویم
 گردن یک بیگناهم من، طناب آورده اید؟
 من خدا نورم، چرا این قدر، آب آورده اید؟
 هر چه می خواهند مرا باز ناکام کنند
 درمیادین وطن، روزانه اعدام کنند
 داغ من هر بار صادق را به تنگ آورده بود
 لشکری از آذریها را به جنگ آورده بود
 از ته چاه آمدی ای حامی زندانیان
 نعره کن ای یوسف لر بر سر کنعانیان
 پای اعدامم، منم از هر کسی ناکام تر
 تا امیر از رشت می آید کمی آرام تر
 وقت باران است حالا ابرها آماده اند
 ما نمی ترسیم وقتی قیرها آماده اند
 خون فقط مانده است از آن شادی واز آن زمهها
 در نبردی نا برابر مرچها هم رزمها
 روز و شبهای عجیبی را به چشمش دیده است
 حاکم طوفان که از شمشادها ترسیده است
 غرق در خونیم اما اندکی سر مانده است
 خشمگین هستیم حالا مشت آخر مانده است
 داغ داریم و به صورتهایمان خشم می کشیم
 بعد آزادی شماها را به آتش می کشیم
 تا قلم با خون دل این شعر را سر می کند
 مرگ دارد بیخ گوشم خستگی در می کند
 برتنش هر روز زخمی تازه تر از تیشه داشت
 مرد شاعر در سرش آزادی و اندیشه داشت
 ای مؤذن باز پیر کن تن هر برگ را
 اشهد آن له بخوان حالا اذان مرگ را
 شاعر محکوم، شب آن قدر هق هق کرده بود
 قبل فریاد مؤذن، او خودش دق کرده بود

جنبش رنگین کمان بیشماران (فروردین ۱۴۰۲)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

بدست میاد حقمون / منزلت معیشت حق مسلم ماست /
 بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن، و...

شنبه ۵ فروردین

* به گزارش کانال مستقل کارگران هفت تیه، تعدادی از کارگران کشت و صنعت هفت تیه برای اعتراض به تعیین حداقل حقوق ۵ میلیون ۳۰۰ هزار تومانی ماهیانه برای کارگران، از طرف شورای عالی کار و عدم یاسخگویی، به دیگر خواسته های شان، مبنی بر عدم همسانسازی حقوق، مشکل منازل سازمانی، عدم تبدیل وضعیت کارگران فصلی، مشکلات مشکلات کارگران در ام.دی.اف و بازگشت به کار اسماعیل بخش، دست به تجمع در مجتمع زدند.

* رانندگان تاکسی، شهرستان سقز در اعتراض به گرانی قطعات ماشین و هزینه ناچیز رفت و آمد شهری دست به اعتصاب زدند.

یکشنبه ۶ فروردین

* کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی اهواز و شوش در اعتراض به سطح نازل حقوق دست به تجمع مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان خوزستان و فرمانداری شوش زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، بازنشستگان تامین اجتماعی شوش، مطالبه گران پرشوری که به طور مستمر و منسجم بگونه ای حضور می یابند که برای مطالبه گری خود، نه تعطیلات نوروزی و نه بارندگی، جلودارشان نیست و کوبنده همچنان حق ضایع شده خود را در کف خیابان فریاد می زنند.

* مالباختگان رماز گینگ مانی برای باری دیگر دست به تجمع مقابل قوه قضاییه در تهران زدند.

دوشنبه ۷ فروردین

* اعتصاب و تجمع استادکاران مکانیک در شهرک صنعتگران بانه در اعتراض به بالا بودن نرخ اجاره مغازه.

سه شنبه ۸ فروردین

* تجمع و راهپیمایی بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز مقابل اداره کل سازمان تامین اجتماعی خوزستان. بازنشستگان به سطح نازل حقوق، از جمله مصوبه ضد کارگری شورای عالی کار مبنی بر تعیین حداقل دستمزد ۵ میلیون، و ۳۰۰ هزار تومانی اعتراض کردند. به گزارش شورای بازنشستگان، معترضان، حق طلب شعار می دادند: مصوبات ساختگی الفا باید گردد / ریسی دروغگو حاصل وعده هات کو / فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون / گرانی، تورم بلای جان مردم و...



سال جدید در حالی آغاز شد که بار چالشهای بیشمار انباشت شده در جامعه بر دوش مردم سنگینی می کند. اخبار نگران کننده ای از وضعیت فلاکتبار مردم روزانه در رسانه ها پوشش می یابد. افزایش نجومی قیمتها طی یک ماه تعرض به سطح زندگی و معیشت مردم را بیش از گذشته افزایش داده است.

بانک مرکزی ایران در تازه ترین گزارش خود نرخ تورم سالانه در مناطق شهری را ۴۶ و نیم درصد اعلام کرد. بسیاری از کارشناسان رقم واقعی تورم را بیش از آن که بانک مرکزی اعلام کرده می دانند.

روزنامه شرق روز پنجشنبه ۱۷ فروردین درباره وضعیت اقتصادی نوشت: آخرین گزارش مرکز آمار ایران نشان می دهد که نرخ تورم نقطه به نقطه در اسفند ۱۴۰۱، رکورد ۵۰ سال اخیر را شکسته و به ۶۳.۹ درصد رسیده است.

در رویدادی دیگر روزنامه اطلاعات در شماره روز سه شنبه ۱۵ فروردین، هشدار سازمان مدیریت بحران کشور را پوشش داد که بر اساس آن، ۹۴۸۰ شهر و روستا در معرض فرونشست قرار دارند.

در زمینه کار کودکان محمدرضا حیدرهای، سرپرست دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی ایران از وجود ۱۲۰ هزار کودک کار در کشور خبر داده است. وی گفت که «شاهد افزایش زباله گردی کودکان هستیم» و «افرادی که در زمینه زباله گردی فعالیت می کنند، زباله گردی برای شان بیزینس بسیار جذابی است، پس چه بهتر از کارگرانی استفاده کنند که دستمزد کمتری دریافت و مدت زمان بیشتری برای شان کار کنند».

نیروهای کار در مقابل شرایط فلاکتبار کنونی تسلیم نشده و به مبارزه ادامه می دهند. در این ماه نیروهای کار دستکم ۱۰۴ روز اعتصاب و تجمع انجام دادند که فشرده اخبار آن را در زیر مطالعه می کنید. حرکتیهای اعتراضی معلمان، دانشجویان و دانش آموزان در همین ماه در این شماره ماهنامه نبرد خلق جداگانه پوشش داده شده است.

چهارشنبه ۲ فروردین

* کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی، شوش در ادامه اعتراض، به سطح نازل حقوق، منجمله مصوبه ضد کارگری شورای عالی کار مبنی بر تعیین حداقل دستمزد ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومانی، دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان در استان خوزستان زدند و با سردادن شعارها، برافراشتن پلاکاردها و پهن کردن سفرفه خالی، خواهان افزایش دستمزد شدند. برخی از شعارها تجمع کنندگان: نه مجلس نه دولت نیستند بفکر ملت / فقط کف خیابون



جنبش رنگین کمان بیشماران (فروردین ۱۴۰۲)

بقیه از صفحه ۱۸

* جمعی از کارگران شرکت پیمانکاری توس مسیر مجتمع معادن سنگ آهن سنگان زیر مجموعه ایمیدرو (سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران) برای اعتراض به بیکار شدن همزمان سال نو دست به تجمع مقابل فرمانداری شهرستان خواف در استان خراسان رضوی زدند. به گزارش ماین نیوز، به دنبال تعطیلی معدن ققنوس یک (امیر سنگان پارسیان) در سال ۱۴۰۰ حدود ۸۰ کارگر شرکت پیمانکاری توس مسیر بیکار شدند و سپس در مجتمع سنگ آهن سنگان مشغول به کار شدند. منطقه معدنی-صنعتی سنگان خواف در جنوب شرقی استان خراسان رضوی واقع است که بالاترین ذخایر سنگ آهن خاور را دارا بوده و بیش از ۱۵ هزار کارگر از سراسر کشور هم در شرکتهای این منطقه مشغول به کار هستند.



چهارشنبه ۹ فروردین

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شوشتر (استان خوزستان)، در ادامه اعتراضهای چند روز گذشته تجمع برگزار کردند. آنها شعارهایی از جمله «بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد»، «رزمندگان دیروز، گرسنگان امروز»، «تا حق خود نگیریم، آرام نمی گیریم» سر دادند.

پنجشنبه ۱۰ فروردین

* گروهی از کارگران هفت تپه در اعتراض به نحوه اجرا و اصلاح همسانسازی، وضعیت نامساعد معیشتی، بیمه درمانی، عدم افزایش حقوق و عدم رسیدگی به مطالبات کارگران برای دومین روز متوالی مقابل ساختمان مدیریت شرکت نیشکر هفت تپه دست به تجمع زدند. به گزارش کانال تلگرامی کارگران مستقل هفت تپه، ابراهیم عباسی، نماینده مستقل کارگری و عضو مجمع نمایندگان کارگری هفت تپه، در این تجمع از عملکرد شورای عالی کار انتقاد کرد و آن را «شورای عالی ضد کارگری» نامید و گفت که «تصمیمهای این شورا منافع کارگران را تضمین نمی کند».

* رانندگان تاکسی بوکان در اعتراض به هزینه های بالا و نرخ کرایه پایین دست از کار کشیدند و با توقف خودروهای شان تجمع کردند.

دوشنبه ۱۴ فروردین

* برای باری دیگر، کارگران بازنشسته تامین اجتماعی شوش با تجمع مقابل فرمانداری و راهپیمایی در این شهرستان استان خوزستان به سطح نازل حقوق از جمله مصوبه ضد کارگری شورای عالی کار مبنی بر تعیین حداقل دستمزد ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومانی، دست به تجمع زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، بازنشستگان شعار می دادند: نه مجلس نه دولت نیستند بفکر ملت/ فقط کف خیابون بدست میاد حقمون و...

همزمان کارگران بازنشسته و مستمری بگیران تامین اجتماعی اهواز مقابل اداره کل تأمین اجتماعی استان خوزستان در اهواز تجمع کردند.

* پرستاران دانشگاه علوم پزشکی اراک تجمع کردند. پرستاران معترض از جمله شعار می دادند: تعرفه ما کجاست، توی جیبای کیاست؟! تعرفه عادلانه حق مسلم ماست! با کرونا جنگیدیم حمایتی ندیدیم و...

همزمان پرستاران بیمارستان روحانی بابل در اعتراض به مبالغ اندک واریزی به عنوان تعرفه پرستاری و همچنین سایر مطالبات و معوقات تجمع کردند.

* کارکنان بارانداز بندر بهشتی چابهار (استان سیستان) تحت کارفرمایی قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا (نهاد اقتصادی وابسته به سپاه پاسداران) در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق اعتصاب کردند.

سه شنبه ۱۵ فروردین

* رانندگان تاکسی مریوان برای اعتراض به عملکرد سازمان تاکسیرانی دست به تجمع مقابل شهرداری این شهرستان در استان کردستان زدند و خواهان عزل رئیس تاکسیرانی شدند.

به گزارش ایلنا، این رانندگان به مدیریت سازمان تاکسیرانی و تغییر مدام مدیران سازمان، روی کار آمدن مدیران ناکارآمد و دخالت شورا در امور تاکسیرانی اعتراض کردند.

به گفته رانندگان، در شهر توریستی مریوان و در حالی که مردم به شدت محتاج تاکسی و خدمات حمل و نقل عمومی هستند از سال ۹۸ تعداد ۱۵ دستگاه تاکسی بلا تکلیف هستند.

* جمعی از شاغلان دستگاههای دولتی موسوم به اینثارگر برای اعتراض به عدم تمدید قانون تبدیل وضعیت مقابل مجلس اجتماع کردند. بر اساس گزارش فاش نیوز، تجمع کنندگان معتقدند که تفاوتی بین آنها و شاغلان سنوات گذشته در اجرای قانون تبدیل وضعیت اینثارگران وجود ندارد، و با توجه به تمدید برنامه ششم توسعه تا پایان شهریور ماه سال جاری، تمدید قانون تبدیل وضعیت نیز مطابق آن از حقوق حقه آنها است.

چهارشنبه ۱۶ فروردین

* کارگران کارخانه داروگر تهران در اعتراض به اخراج ۱۴ نفر از همکاران شان مقابل ساختمان وزارت کار تجمع کردند. یکی از کارگران معترض در مورد علت تجمع کارگران داروگر تهران به خبرنگار ایلنا گفت: مدیران کارخانه به بهانه های مختلف از روز ۲۸ اسفند سال پیش تا ۱۵ فروردین سال جاری در دو مرحله اقدام به تعدیل ۱۴ نفر از همکاران با سابقه کرده اند و حتی با پا در میانی کارگران راضی به بازگشت به کارشان نشدند. او با بیان اینکه سوابق فعالیت بعضی از کارگران به ۱۵ تا ۲۰ سال می رسد، اظهار کرد: این کارخانه بیش از ۱۰۰ کارگر دارد که امنیت شغلی آنها به دلیل داشتن قراردادهای موقت یک ماهه تامین نمی شود.

به گفته این کارگر، افراد حاضر در این تجمع، از کارگران شیفت صبح کارخانه داروگر تهران هستند که به حمایت از ۱۴ کارگر تعدیلی دست از کار کشیده و با متوقف کردن تولید خواستار بازگشت به کار همکاران شان شدند.



* کارگران بازنشسته و مستمری بگیران تامین اجتماعی اهواز مقابل اداره کل تأمین اجتماعی استان خوزستان تجمع کردند.

* کارکنان سازمان نظام مهندسی مشهد در اعتراض به عدم پرداخت به موقع مطالبات شان مقابل این سازمان در کلانشهر مشهد تجمع کردند.

* کارکنان سازمان نظام مهندسی مشهد در اعتراض به عدم پرداخت به موقع مطالبات مقابل این سازمان در کلانشهر مشهد تجمع کردند.

پنجشنبه ۱۷ فروردین

* کارگران کشتارگاههای تبریز در اعتراض به جرمه ها و کمبود مرغ در بازار دست به اعتصاب زدند.

* بازنشستگان فرهنگی جهت اعتراض به عدم اجرای همسانسازی مقابل اداره آ پ شهرستان نجف آباد تجمع داشتند. نیروهای امنیتی و انتظامی به تجمع کنندگان حمله و با ایراد ضرب و شتم اقدام به پراکنده نمودن آنان نمودند.

بقیه در صفحه ۲۰

ایران، شرکت لوله سازی بندر ماهشهر پیش از این نیز بارها کارکنان و کارگران خود را اخراج کرده بود.

* کارگران بازنشسته صنعت فولاد اصفهان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی تجمع کردند.

در تهران کارگران بازنشسته تامین اجتماعی با وجود جو شدید امنیتی مقابل وزارت کار تجمع کردند.

همزمان کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و کارگران بازنشسته تامین اجتماعی شوش مقابل فرمانداری و کارگران بازنشسته تامین اجتماعی اهواز مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان خوزستان تجمع کردند.

* کارگران بازنشسته مخابرات کشور در اعتراض به کاهش قدرت خرید، عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی درمان مقابل یا در ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استانهای آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، خراسان رضوی، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، قم، کردستان، کرمانشاه، لرستان، مرکزی، همدان، یزد و مریوان مقابل اداره مخابرات و استان چهارمحال و بختیاری مقابل استانداری و استان تهران مقابل وزارت ارتباطات تجمع کردند.

* کارگران بازنشسته شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی برای اعتراض به سطح نازل حقوق و عدم همسانسازی، عدم پرداخت مطالبات و مشکلات بیمه درمانی دست به تجمع زدند.

* برای چندمین روز متوالی، کارگران شهرداری کارون در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و مشکلات بیمه به اعتصاب شان ادامه دادند و از جمع آوری زباله از سطح شهر خودداری کردند.

* کارگران پستهای فشار قوی برق خوزستان برای افزایش دستمزد منجمده اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت مطالبات و عدم اجرای تبصره ماده ۱۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مقابل استانداری در کلانشهر اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، سعید نیسی (نماینده اپراتورهای برق فشار قوی خوزستان و عضو شورای اپراتوری) مطالبات اپراتورها را این گونه برشمرد: پایان سال ۱۴۰۱ برخلاف سنوات گذشته، پاداش پایان سال به ما پرداخت نشد؛ هر سال حداقل به اندازه‌ی یک حکم حقوقی پاداش پایان سال داشتیم؛ مساله بعدی، طرح طبقه بندی مشاغل اپراتورهاست که چهار سال تمام است به نتیجه نرسیده. این فعال صنفی، خواسته بعدی را لغو اجرای تبصره ماده ۱۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری برای اپراتورهای برق فشار قوی می‌داند؛ تبصره‌ای که می‌گوید حقوق کارگران وزارتخانه‌ها نباید بیش از ۱.۲ حقوق کارمندان باشد، او اضافه می‌کند: یکی دیگر از مشکلات اپراتورها، اضافه کار اجباری تحمیلی توسط کارفرما در سال‌های اخیر است؛ ما خواستار اصلاح نوبت کاری و شیفت کاری براساس تصریحات قانون کار هستیم.



دوشنبه ۲۱ فروردین

* شماری از پرستاران در شهر قزوین در اعتراض به سطح نازل حقوق، فشار سنگین کاری و عدم پاسخگویی به مطالبات شان مقابل استانداری شهر تجمع کردند.

سه شنبه ۲۲ فروردین

* به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران پروژه ای جوشکار پیمانکاری کیوانی در پتروشیمی سلمان فارسی سربندر روز در اعتراض به مخالفت پیمانکار با افزایش دستمزد، به طور دسته جمعی دست به اعتصاب زده و محل کارگاه را ترک کردند.

* کارکنان بخش مراقبت پرواز (کنترل ترافیک هوایی) برای اعتراض به سطح نازل حقوق مقابل ساختمان شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران تجمع کردند و خواهان افزایش حقوقشان متناسب با شرایط کاری شدند. یکی از تجمع کنندگان با اشاره به ۲۱

جنبش رنگین کمان بیشماران (فروردین ۱۴۰۲)

بقیه از صفحه ۱۹

شنبه ۱۹ فروردین

* پرستاران خراسان رضوی از جمله پرستاران بیمارستانهای امام رضا و قائم و اورژانس ۱۱۵ مشهد با تجمع مقابل استانداری، مهم ترین علت تجمع خود را بی عدالتی در پرداختی تعرفه گذاری اعلام کردند. به گزارش ایلنا، یکی از پرستاران که نخواست نامش فاش شود در این خصوص گفت: مبلغی که به عنوان تعرفه پرستاری چند روز قبل واریز شد که شبیه تعرفه پرستاری نبود و با فرمولهای عجیب و غریبی حق شب کارها ضایع شده بود و به نظر می آمد بسیاری از بخشهای بیمارستانی مخصوصاً پرستاران بخشهای تخصصی مانند ویژه آی سی یو، سی سی یو و اورژانس ضرایب بسیار کمی شامل حال شان شده بود و دریافتی خیلی ناچیزی داشتند. این پرستار افزود: اجرای نادرست و ناصحیح قانون تعرفه گذاری پس از سالها انتظار و فراز و نشیبهای خاص خود سبب نارضایتی پرستاران و مدافعان سلامت در سراسر کشور شد.



* جمعی از کارگران شاغل در شرکت پارا پلاستیک واقع در شهرستان جلفا تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران، به پرداخت نشدن معوقات مزدی و حق اضافه کاری اعتراض کردند.

* کارگران، بیمانی، پتروشیمی، جوار ایلام برای اعتراض به پرداخت عیدی ناچیز در اداره کار ایلام تجمع کردند. تجمع کنندگان به خبرنگار ایلنا گفتند: در روزهای پایانی، سال گذشته عیدی پایان سال را به حساب بیش از پانصد کارگر پیمانکاری پتروشیمی جوار واریز کردند اما مبلغ آن به شدت ناچیز بود؛ برای هر کارگر سه الی سه و نیم میلیون تومان عیدی ریختند؛ این در حالیست که حداقل عیدی قانونی، بیشتر از هشت میلیون تومان است. کارگران معترض افزودند: امروز به اداره کار ایلام مراجعه و مساله عیدی را مطرح کردیم؛ یکی از مقامات اداره کار به ما پاسخ داد ما خودمان، فقط یک میلیون و هشتصد هزار تومان عیدی گرفته ایم، به شما خوب داده اند!

* کشاورزان اصفهان در اعتراض به عدم اختصاص حقا به مقابل شرکت آب منطقه ای این کلانشهر تجمع کردند.

* جمعی از رانندگان تاکسی، مشهد برای اعتراض به عملکرد مدیریت حمل و نقل شهر دست از کار کشیدند و با به صف کردن خودروهای شان مقابل ساختمان سازمان تاکسیرانی تجمع کردند.

* شماری از مالباختگان «اس دلیو ام» برای اعتراض مقابل ساختمان خالی این شرکت در خیابان قائم مقام تهران تجمع کردند. بر اساس گزارش دنیای اقتصاد، معترضان، خشمگین که حدود ۲۰۰ نفر بودند، ساختمان، سنگ سفید را با شعارهایی، با رنگهای قرمز، سیاه و سبز سرتا پا پوشاندند. شعارهایی که بیشتر خطاب به مدیران شرکت بود. شعارهایی که با خشم چندین و چند بار تکرار شد. ماموران پلیس نیز برای کنترل شرایط حاضر شدند.

یکی از معترضان مالباخته گفت که قطعات حدود ۲۷۰ دستگاه خودرو وارد شده و در کمرک خاک می خورد، اما به دلایلی که یکی از آنها می تواند بدهی مالیاتی باشد، اجازه ترخیص ندارد و ورود به خط تولید را پیدا نمی کند.

یکشنبه ۲۰ فروردین

* کارگران اخراجی شرکت لوله سازی ماهشهر مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. مدیران شرکت لوله سازی بندر ماهشهر، پنجم فروردین ماه اقدام به اخراج ۱۲۴ نفر از کارگران این شرکت نمودند. به گزارش کانال اتحادیه آزاد کارگران

جنبش رنگین کمان بیشماران (فروردین ۱۴۰۲)

خوش دهلران، در اعتراض به عدم دریافت حقوق بهمین و اسفند سال گذشته خود و همچنین عیدی پایان سال، در کارگاه این شرکت تجمع کردند.

* جمعی از کارگران بخشهای مختلف شهرداری و استانداری شهرستان سمنان، به دلیل عدم پرداخت حقوق معوقه خود اعتصاب کردند.

* کارگران پروژه ای واحد جی، ال شاغل در پترو پالایش دشت عباس با خواست تغییر نوبت کاری به بیست روز کار و ده روز مرخصی و افزایش حقوق به میزان ۵۲ درصد اعلام شده از سوی کمیسیون مرکزی کارگران، پروژه ای دست به اعتصاب زدند.

یکشنبه ۲۷ فروردین

* بازنشستگان و کارگران شاغل هفت تپه مقابل سازمان تأمین اجتماعی، تجمع کردند و سپس راهپیمایی بازنشستگان و کارگران شاغل هفت تپه از درب تأمین اجتماعی، به طرف اداره کل کار شهرستان شوش. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، اعتراض به دستمزدهای نازل مصوب شده توسط شورای ضد کارگری و نمایندگان نظام سرمایه داری شورای عالی کارگر، در اعتراض به گرانی و تورم و کوچک و کوچکتر شدن سفره کارگران و مزد بگیران.

همزمان جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی اهواز، اصفهان، کرمانشاه، شوشتر، بابل و البرز غربی در اعتراض به شرایط بد معیشتی و عدم رسیدگی به مطالبات شان همچنین در اعتراض به مصوبه شورای عالی مزد که مستقیماً بر حقوق بازنشستگان تأثیر دارد، مقابل اداره کل تأمین اجتماعی دست به تجمع زدند.

* تجمع کارگران اخراجی کارخانه صدر فولاد خرم آباد با خواست بازگشت به کار.

* به گزارش کانال خبری پرستاران ایران، پرستاران و کادر درمان استان قم در ادامه اعتراض پرستاران و کادر درمان کشور نسبت به عدم اجرای کامل قانون تعرفه گذاری دست به تجمع مقابل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم زدند و با سردادن شعارها و برافراشتن پلاکارد اعتراض شان را نشان دادند.

دوشنبه ۲۸ فروردین

به گزارش شورای بازنشستگان ایران، کارگران بازنشسته مخابرات کشور با برپایی تجمع مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات در شهرهای کرج، اصفهان، بجنورد، دهاوک، زنجان، سمنان، کرمانشاه، گرگان، رشت و دزفول مقابل ساختمان شرکت مخابرات شهرستان و استان تهران مقابل وزارت ارتباطات، دوشنبه های اعتراضی شان را نسبت به کاهش قدرت خرید عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی درمان از سر گرفتند. خواست بازنشستگان مخابرات، پرداخت مطالبات عقب افتاده، پرداخت خسارت ناشی از تعویق مطالبات و برقراری بیمه تکمیلی است. در شرایطی که وضعیت معیشت بازنشستگان در اثر افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید بازنشستگان روز به روز بدتر می شود شرکت مخابرات از پرداخت مطالبات بازنشستگان سر باز می زند.

همزمان بازنشستگان صدا و سیما در اعتراض به معضلات معیشتی و عدم رسیدگی مسئولان به مطالبات خود مقابل مسجد بلال تجمع برگزار کردند.

* اعتصاب کارگران راه آهن شمال غرب (زنجان و تاکستان) در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و مطالبات دیگر.

سه شنبه ۲۹ فروردین

* جمعی از اهالی دهلران باریایی، تجمع مقابل فرمانداری این شهر خواهان آزادی بدون قید و شرط چهار زندانی اهل این شهر به نامهای عظیم یادگاری، حسین پایروند، فرشاد آیینی، سعدالله آیینی، که از فروردین در زندان ایلام در اعتصاب غذا بسر می برند، شدند.

به گزارش کانون حقوق بشر ایران، همچنین شامگاه ۲۸ فروردین، جمعی از جوانان شهر دهلران پس از انتشار خبر اعتصاب غذای بازداشت شدگان اعتراضات سراسری به خیابان آمده و اقدام به تظاهرات با شعار مرگ بر خامنه ای کردند.

چهار شهروند دهلران شامگاه ۲۵ بهمن ۱۴۰۱، پس از تظاهرات ضد حکومتی مردم این شهر بازداشت و به زندان مرکزی ایلام منتقل شدند. این زندانیان تاکنون بالاتکلیف بوده و در اعتراض به بالاتکلیفی خود اقدام به اعتصاب غذای اعتراضی کرده اند.

* به گزارش کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، کارکنان خدماتی مدارس تهران برای اعتراض به سطح نازل حقوق و عدم همسانسازی برای باری دیگر دست به تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش با شعارهای «همکار من داد بزن، حق تو فریاد بزن»، «معیشتم به سخته جاره کار ما جیه» و... زدند.

* مالیاتگاران سرقت از صندوق امانات بانک ملی شعبه ممتاز (روبروی دانشگاه تهران) با برپایی تجمعی دیگر خواستار برگرداندن اموال خود بعد از گذشت ده ماه شدند.

بقیه در صفحه ۲۲

بقیه از صفحه ۲۰ پیگیریهای چند سال اخیر برای رسیدگی به درخواستهای کنترلرها، به خبرنگار تسنیم گفت: ما خواستار رسیدگی به خواسته های خود هستیم. وی افزود: سالهاست به دنبال افزایش حقوق متناسب با شرایط کاری هستیم و در این رابطه پیگیریهای فراوانی داشته ایم. امروز هم خواستار رسیدگی به این وضعیت هستیم.



* کارگران بازنشسته و مستمری بگیران تأمین اجتماعی اهواز مقابل اداره کل تأمین اجتماعی استان خوزستان تجمع کردند.

شنبه ۲۶ فروردین

* به دنبال قتل جنایتکارانه دو تن از جوانان روستای دانیال بر اثر شلیک مزدوران جنایتکار رژیم در منطقه دانیال عباس آباد مازندران، مردم خشمگین با آنان درگیر شدند.

فرمانده پلیس عباس آباد در استان مازندران قتل دو شهروند در روستای دانیال سلمان شهر به دست همکارانش را تأیید کرد.

اداره اوقاف شهرستان عباس آباد مازندران با یک وقفنامه جعلی قصد مصادره هزاران هکتار از زمینهای مردم این منطقه را داشت. در پی این درگیریها حداقل پنج نفر در نتیجه تیراندازی مزدوران زخمی شدند که دو تن از آنان با اسامی سیامک کلاری و میرزا کلاری پس از انتقال به بیمارستان تنکابن جانباختند. بر اساس گزارش رادیو زمانه، ساکنان سلمان شهر در استان مازندران در اعتراض به تملک زمینهای شان از سوی متولی موقوفه امامزاده دانیال چند کانکس نگهبانی را آتش زدند و منزل یکی از اعضای هیات امناء این موقوفه را تخریب کردند. این موقوفه به تازگی بخشی از زمینهای منطقه عباس آباد را تحت عنوان موقوفه مصادره و حصارکشی کرده است. اداره کل اوقاف و امور خیریه مازندران در یک اطلاعیه گفته است که نقشی در این درگیری نداشته و اختلاف ملکی میان متولی موقوفه و اهالی روستای دانیال رخ داده است.

مراسم خاکسپاری زنده یادان سیامک کلاری و میرزاعلی دانیال کلاری، دو برادری که به دلیل اعتراض به مصادره زمینهای خود توسط اداره اوقاف، توسط مزدوران رژیم به قتل رسیدند به طور باشکوه برگزار شد.

* در ادامه اعتراضهای پرستاران و کادر درمان کشور نسبت به عدم اجرای کامل قانون تعرفه گذاری و اجرایی نشدن فوق العاده خاص، پرستاران و کادر درمان استان کردستان دست به تجمع مقابل استانداری کردستان زدند. تجمع کنندگان به خبرنگار ایلنا گفتند، مهم ترین خواسته خود را اصلاح آییننامه تعرفه گذاری خدمات پرستاری می دانند که پشت درهای بسته تنظیم شده و منافع پرستاران را نادیده گرفته است. آنها افزودند: مبالغ تعرفه گذاری به شدت ناچیز است. ما خواستار این هستیم که حاصل زحمات پرستاران باید به جیب خودشان برود نه دیگران؛ می خواهیم بدانیم چه کسانی مخالف اجرای قانون هستند و نمی گذارد پرستاران به حق شان برسند.

* اعتصاب کارگران راه آهن میانه (حوزه ۲۰) در اعتراض به شرایط سخت کاری و عدم پاسخگویی به مطالبات شان.

* پرسنل شرکت پتروشیمی دهلران هنوز در نوبت کاری (۲۴ روز کار و ۶ روز استراحت) مشغول هستند و به جز مساله عدم پرداخت حقوق و عیدی، مطالبه افزایش روز مرخصی به ۱۰ روز در ماه را نیز به دلیل شرایط کاری خواستار هستند. به گزارش خبرنگار ایلنا، تعدادی از پرسنل شرکت آئی جی سی، پروژه گازی ان.جی.ال چشمه

جنبش رنگین کمان بیشماران

مقاومت زنان؛ شکاف در دستگاه سرکوب

منصور امان



نهیب و دستور ولی فقیه نظام توانایی پُر کردن شکاف را ندارد.

همانگونه که سخنان مهیمن و دوپهلوی او پیرامون «وارد شدن با برنامه و نقشه» هم کسی را از طیف یاد شده راضی نخواهد کرد. آخرین «نقشه» او یعنی، برون سپاری سرکوب و تبدیل بازار و صاحبان حرفه ها و مشاغل به عماله رایگان حاکمیت، با مقاومت این صنف و گستردگی حوزه برخورد به سختی شکست خورد و طرح محروم سازی زنان از خدمات دولتی، آموزش، بهداشت و درمان نیز با داشتن همان عوارض، سرنوشت بهتری نخواهد یافت.

بن بست حاکمیت آنجا آشکار تر می شود که در نظر گرفته شود راه حلهای نرم افزاری آخوند خامنه ای در انتها همان نتایج راهکارهای سخت افزاری را به بار خواهد آورد. سوواستفاده حاکمیت از سلطه خود بر امکانات اجتماعی برای اعمال تبعیض علیه بخشی از جامعه، تضادی که بین دستگاه حاکم و مردم وجود دارد را پر رنگ تر کرده، کشمکش را به داخل دستگاه های دولتی گسترش می دهد و سرآخر انگیزه جامعه را برای دست زدن به اقدام علیه این تقویت می کند.

تنها نکته توجه پذیر در سخنرانی بی رمق آخوند خامنه ای، اشاره او به سیاسی بودن «رفع حجاب و مبارزه با حجاب» است. آری، مبارزه راههای بخش زنان میهن بر دوش سیاست سرنگونی استبداد مذهبی حمل می شود، همچنانکه هیستری «عفاف و حجاب» رژیم ولایت فقیه را دکترین قدرت و ثروت حمل می کند.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۷ فروردین

همزمان با آنکه مقاومت جامعه و در پیشاپیش آن، زنان میهن، ابعاد اجتماعی تری می یابد، راه حلهای حاکمان ج.ا نیز برای رویارویی با این تحول و بازگرداندن سلطه خود ناهمگون تر می شود. «نظام» چنان پاندول بین تنگنای مصلحت خود و یا به بیان دیگر، هراس از جرقه خوردن خیزشی توفانی تر از شهریور و نیاز به بقا و داشتن اتوریته در نوسان است.

بازتاب این شرایط در سخنان روز سه شنبه آخوند خامنه ای به خوبی پیداست. او در همان حال که تأکید کرد «حجاب مساله شرعی و قانونی است» و ایستادگی در برابر حجاب اجباری را به «دشمن» و «دستگاه های جاسوسی دشمن» منتسب کرد، بی درنگ هشدار داد: «دشمن با نقشه و برنامه وارد این کار شده، ما هم باید با برنامه و نقشه وارد بشویم. بدون برنامه و اینها، کارهای بی قاعده نباید انجام بگیرد».

تأثیر سیاسی قرار گرفتن حاکمیت در برزخ و اجبار به تنظیم خود با روحیه و کنش جامعه در این گفته ها به روشنی پیداست. سخنان «رهبر» خطاب به آن بخش از شرکای قدرت است که وحشت از پیشروی جامعه آنان را به تقلای مرگ انداخته و هر روز با ابداعات جدید و طرح سرکوبی شدیدتر به صحنه می آیند. اینان بدین وسیله شکافی که در دستگاه قدرت بر سر چگونگی حل بحران اتوریته پدید آمده را آشکار می کنند و موقعیت پریشان «نظام» را در برابر چشم توده‌ی معترض و در کمین به نمایش می گذارند. همزمان، این بخش با در نظر نگرفتن «مصلحت نظام» و انکار ناکارایی ابزارهای قهر مستقیم در عقب راندن مردم، تهدید شعله ور شدن دوباره آتش از زیر خاکستر را برای حاکمیت مادی می کند.

بقیه از صفحه ۲۱

*کارکنان شرکت بهره برداری متروی تهران و حومه برای احقاق حقوق برحق شان در محوطه ساختمان اصلی این شرکت در چهار راه کالج تجمع کردند. به گزارش کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران، این تجمع در نهایت منجر به وعده برگزاری جلساتی با نمایندگان کارکنان جهت بررسی جزییات و رسیدگی عاجل ظرف یک ماهه آتی، و رفع اشکالات گردید.

*جمعی از کشاورزان منطقه لومان برای اعتراض به اجرای حکم رفع تصرف ۵۵ هکتار از اراضی این منطقه در شهرستان دماوند تجمع کردند. به گزارش عصر شرق، حدود ۴۰ سال پیش، هیات هفت نفره اراضی توسط جهاد سازندگی به ۹۴ نفر از کشاورزان لومان واگذار کرد که طی این سالها این اراضی بایر، توسط هزینه شخصی کشاورزان تسطیح و زراعی شده است.

با توجه به اینکه یکی از مالکان پلاک لمسار حکم رفع تصرف ۵۵ هکتار از اراضی لمسار را در سال ۷۹ اخذ نموده و با عنایت به مشخص نبودن حدود مرزی دو پلاک لومان و لمسار، حکم یس از ۲۳ سال هنوز اجرا نشده است.

چهارشنبه ۳۰ فروردین

*شماری از کارکنان دادگستری در سه استان کردستان، کرمانشاه و گیلان، در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی و معضلات معیشتی دست به اعتصاب زدند.

*کارگران سایبا آذربایجان برای اعتراض به سطح نازل حقوق دست از کار کشیدند و با اعلام اعتصاب نامحدود خواهان افزایش حقوق شدند. بر پایه گزارش ایلنا، کارگران این شرکت صنعتی اعلام کردند تا حصول نتیجه مطلوب و مدنظر خود به اعتراض خود ادامه خواهند داد. شرکت سایبا آذربایجان که در زمینه ساخت قطعات خودرو فعالیت می کند با ادغام دو شرکت صانع و صنایع نساجی ایران بنا به تصمیم شرکت مگاموتور در مهرماه سال ۱۳۹۲ ادغام شد و تحت عنوان سایبا آذربایجان به فعالیت خود در دوسایت ادامه داد.

*اعتصاب کارگران راه آهن شمال غرب (زنجان) و تاکستان در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و مطالبات دیگر برای دومین روز متوالی.

*کارگران بازنشسته تامین اجتماعی اهواز در ادامه اعتراضات دامنه دارشان برای باری دیگر دست به راهپیمایی و تجمع مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان خوزستان در کالانشهر اهواز زدند.

*کشاورزان اصفهان با راهپیمایی در سطح شهر و تجمع مقابل شهرداری با شعار «تنگ ننگ ما پلیس ادنگ ما»، خواهان حقایق خود شدند.

*جمعی از متقاضیان مسکن ملی ساوه برای اعتراض به طولانی شدن روند تحویل واحدها و میزان آورده اعلام شده مقابل اداره راه و شهرسازی ساوه تجمع کردند.

پنجشنبه ۳۱ فروردین

*جمعی از مالباختگان شبکه رمز ارز کینگ مان (شرکت بادران گستران) مقابل دادگستری کل استان تهران با شعار «وعده وعید کافیه یشت این مفسد کیه» تجمع کردند.

شرکت رمز ارز کینگ مان توسط شرکت بادران گستر راه اندازی شده است و به گفته رئیس کل دادگستری استان تهران، در بهمن ماه، مطالبات شاکیان بیش از ۴۵۰۰ میلیارد تومان است و معادل آن از اموال متهمان بازداشت شده شناسایی شده است.



سیزده پدر سیاسی و شهادت جاوید نام علی باغجری

*در شبکه های اجتماعی، ویدیویی از رقص و پایکوبی در مراسم سیزده بدر در کنار دریاچه چیتگر تهران منتشر شده است. همچنین، آیین باستانی سیزده بدر از سوی انبوه مردم در روستای موجش (استان کردستان) و در آبیتر مشرف به شهر سنندج با شور و هیجان برگزار شد. در اطراف شهر قم مردم زیادی در فضای سبز کنار جاده، مراسم سیزده بدر را با وجود هشدارهای چند روز اخیر سرکوبگران درباره برخورد و جریمه روزه خواران، برگزار کردند.

*روز سیزده بدر، دختران شهیدان راه آزادی؛ شمال خدیوی یور و سید کمال احمدیور، بر مزار پدران قهرمان شان در مهاباد رفتند و یاد و نام آنان را گرمی داشتند.



بخشهای زیادی از مردم در ادامه گردهمآییهای نوروزی، با برپایی روز سیزده بدر، نظم ارتجاعی ملاها را به سخره گرفتند و مراسم این روز باستانی، و انسانی را با شوق، رهایی و آزادی برگزار کردند. تصاویر بسیاری از حضور زنان و مردان ایران زمین در طبیعت همراه با رقص و شادی از شهرهای ایذه، آبیتر، آستارا، اصفهان، تهران، خرمآباد، فولادشهر، مشهد، ماسوله، مهاباد، بهبهان، کرج، یارس آباد مغاز، رشت، رودسر، شهرکرد، سیاهکل، اسلام آباد غرب، کرمانشاه و هرمز منتشر شده است. در این گزارش فقط به چند مورد از میان دهها گزارش پرداخته شده است.

نیروهای سرکوبگر رژیم در برخی از محلهایی که مردم تجمع کرده و شادی می کردند از جمله در رودسر و ماسوله یورش بردند. در روستای باغجری، زنده یاد علی باغجری، جوان اهل سبزواری، توسط نیروی سرکوبگر انتظامی هدف چند گلوله قرار گرفت و برابر دیدگان مادرش به شهادت رسید.



*خانم زینب (ماه منیر) مولایی، راز، مادر جاوید نام کیان پیرفلک، همزمان با سیزده بدر ۱۴۰۲، تصاویری از سیزده بدر خانوادگی سال پیش در اینستاگرام خود منتشر کرد و در بخشی از یادآوری خاطرات از دلنگی اش برای فرزندش نوشت: «الان که نیستی برات تا صبح بیدار می مونم به انتظار طلوع خورشید، و صبح سیزده را کنار تو بدر می کنم و مثل همیشه سبزه گره می زنم برای آرزوهای قشنگمان. امسال آرزوی همه متفاوت ست، تو هم گره بزنی عزیزکم.»



*در روز یکشنبه ۱۳ فروردین امسال، هلیا کیا، خواهر زنده یاد حنانه کیا (عروس ایران)، ۲۲ ساله، عکسی از حضور او در سیزده بدر سال پیش، منتشر کرد. جاوید نام حنانه در روز چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ با گلوله های سرکوبگران چنایتکار خامنه ای در نوشهر به شهادت رسید. پدر و مادر حنانه، روز سیزده بدر با حضور بر مزار دخترشان در حالی که سبزه را گره می زدند، آرزو کردند که ایران آزاد شود و دخترشان قاتل دخترشان شناسایی شود.



*برادر زنده یاد محسن محمدی کوچکسرای، بر سر مزار این شهید راه آزادی در قائم شهر سبزه گره زد و نوشت: «سبزه سیزده امسال رو با آرزوی داشتن بهاری متفاوت، نابودی ظالمین زمان و پیدا کردن قاتل برادرم گره می زنم.»

جاوید نام محسن محمدی کوچکسرای متولد ۱۳۶۴، مهندس برق ساختمان، متاهل و پدر دو فرزند، با شلیک گلوله جنگی در شامگاه چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ از ناحیه یشت و با اصابت به قفسه سینه به شهادت رسید.

گلوله جنگی در شامگاه چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ از ناحیه یشت و با اصابت به قفسه سینه به شهادت رسید.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 463/ 21 April 2023

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram @nabard_khalgh --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

یادواره شهیدان فدایی

رفیق شیرین معاضد

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی



رفیق شیرین معاضد

سیاسی را دنبال می کرد.

رفیق شیرین معاضد بنا به گفته رفیق سعید سلطانپور از جمله زنان جنبشی محسوب می شود که با حماسه سپاهکل و جنبش انقلابی مسلحانه آغاز شد.

در مرداد ۱۳۵۱ خانه تیمی چریکهای فدایی خلق در محله سلیمانیه تهران مورد حمله قرار گرفت که در آن رفیق محمد صفاری آشتیانی طی درگیری با مزدوران رژیم شاه به شهادت رسید و رفقا شیرین معاضد و حمید اشرف در پناه آتش رفیق صفاری آشتیانی می توانستند از آن محاصره بگریزند. رفیق شیرین معاضد گزارشی با عنوان «فرار از محاصره خانه تیمی خیابان سلیمانیه» نوشت که به وسیله سازمان منتشر شد.

روز ششم اردیبهشت ۱۳۵۳ ساواک توانست به یک قرار از اعضای سازمان دست پیدا کند. این قرار مربوط به رفیق مرضیه احمدی اسکویی بود. اما رفقا از طریق کنترل شنود صامت (دستگاهی که از طریق آن امکان شنیدن صدای بی سیمهای پلیس و ساواک میسر بود) به جریان پی بردند. رفیق شیرین برای آگاه کردن رفیق مرضیه به منطقه می رود و رفیق حمید اشرف بیدرنگ و شخصا وارد منطقه شده و از پشت یک وانت به رفقا هشدار می دهد.

مرضیه به طرف میدان ژاله (اکنون شهیدا) می رود و شیرین وارد میدان فوزیه (اکنون امام حسین) می شود که متوجه می شود تعداد زیادی نیروهای سرکوبگر محاصره اش کرده اند. رفیق شیرین با درگیری و سپس خوردن کپسول سیانور دستگیر و روز ۱۱ اردیبهشت زیر شکنجه شهید می شود. یاد و نامش جاودان

شهادت فدایی در اردیبهشت ماه



رفیق غلام حسین خاکباز

رفقای فدایی: محمد کاظم سعادت، خلیل سلمانی نژاد، علی اکبر (فریدون) جعفری، مرضیه احمدی اسکویی، حبیب الله مومنی، محمود نمازی، منصور فرشیدی، هادی فرجاد، لادن آل آقا، مهوش حاتمی، شیرین معاضد (فضیلت کلام)، محمدرضا قنبرپور، احمدرضا قنبرپور، فرزاد دادگر، عزت غروی،

ارژنگ شایگان شام اسبی، ناصر شایگان شام اسبی، فرهاد صدیقی پاشاکی، توج اشتری تلخستانی، قربانعلی زرکاری، بهروز ارمغانی، اسماعیل عابدی، زهره مدیرشانه چی، حسین فاطمی، محمود خرم آبادی، حبیب الله برادران خسروشاهی، مصطفی حسن پور اصیل شیرجو پشت، هوشنگ قربانی کندرودی، فریده غروی، میترا بلبل صفت، عبدالله پنجه شاهی، علی رضا باصری، هوشنگ اعظمی لرستانی، ناصر خورشیدی، حمید صفری نژاد، منوچهر حامدی، کمال کیانفر، امان الله ایمانی دارستانی، غلام عباس باقری، جهانگیر باقری پور، علی علی رضا (ناصر) بامری، زینب (طاهره) حیاتی، جمیل سلطانی، فرشته گل عنبریان، مسعود دانیالی، محسن رفعتی، احسان الله ایمانی دارستانی، غلام حسین خاکباز، هیبت الله بهرامی سامانی، محسن بهکیش، جمیل طوفانی، ناصر بهرامی، روبا علی پناه فرد، ابراهیم جلالی، منصور فرساد، کورش پیروزی، ابوالقاسم تاجعلی (تجلی)، منیژه موسی نژاد، فریدون آشوری، کریم تیمور زاده (تیموری)، منصور جابری، رسول مجنون، عزیز بدلی، کمال کیانفر، جمشید دیندار، علی بدری، وجیه الله چشم فروز، علی (نبی) جدیدی، مقصود بیرام زاده، موسی مکاری، محمد علی حسینی، هوشنگ حنیفی، داود میرزایی، حمید رضا (امیر) زمانی کندوانی، علی کرم داودی، صدیق زارعی، محمد راکمی، مهشید معتصد کیوان، رضا نعمتی، کامیار ضیاپور، کبرا حیدریان، صادق نظیری، مهدی حاتمی، جبرئیل هاشمی و ... از سال ۵۰ تاکنون، به دست رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

فدایی شهید رفیق شیرین معاضد (فضیلت کلام) سال ۱۳۳۴ در خانواده ای فرهنگی متولد شد. پدر بزرگش به دلیل تاسیس مدرسه دخترانه (معاضد) در کرمانشاه توسط افراتیون مذهبی ترور شده بود و پدرش روزنامه نگار و کارگردان تئاتر بود.

خانواده معاضد زمانی که شیرین کودک بود به تهران نقل مکان کردند و شیرین در تهران پس از اخذ دیپلم در دانشسرای تربیت معلم ضمن درس خواندن به معلمی پرداخت و در جنوب تهران (محله عباسی خاکی) تدریس می کرد و همزمان رشته جامعه شناسی را در دانشگاه دنبال می کرد.

زنده یاد شیرین معاضد از دبیرستان همراه با مهرنوش ابراهیمی هسته مطالعاتی را ایجاد کرده و مطالعات

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی – زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم